

تأثیر تحریم‌های ثانویه کنگره آمریکا بر برنامه دفاع موشکی جمهوری اسلامی ایران

عباس خندان

کارشناس خبره وزارت امور خارجه. abbas.khandan46@gmail.com

چکیده

توسعه برنامه موشکی یکی از توانایی‌های مختلف نظامی جمهوری اسلامی ایران است که به افزایش امنیت و اقتدار ملی کشور منجر می‌گردد که این امر فشارهای دشمنان برای ضربه زدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را افزایش داده است. سیاست‌های آمریکا و کشورهای غربی بر تضعیف ابزارهای بازدارنده جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند. اعمال تحریم‌های ثانویه کنگره آمریکا و رژیم‌های کنترل صادرات مصادیقی از اقدامات مقابله‌ای با توسعه برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران است. ایالات متحده آمریکا در مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ با اعلام رسمی ترامپ، از «توافق هسته‌ای کشورهای عضو گروه ۵+۱ با ایران» موسوم به «برنامه جامع اقدامات مشترک» خارج شد. در پی این امر وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز نسبت به بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای ایران اقدام نمود. حال سؤال اینجاست که این اقدام یکجانبه آمریکا به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل تا چه حد با منشور ملل متحد تناسب داشته و بر اساس منشور یاد شده مشروعیت دارد؟ از سوی دیگر در چهارچوب فرضیه نیز به نظر می‌رسد که «با توجه به اینکه تحریم‌های یکجانبه آمریکا مواد متعددی از منشور ملل متحد را نقض می‌کند، این تحریم‌ها فاقد مشروعیت بر اساس منشور مذکور می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تحریم ثانویه، ایالات متحده آمریکا، منشور ملل متحد، دفاع موشکی

مقدمه

یکی از پراهمیت‌ترین ابزارهای قدرت مادی جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن ضریب بازدارندگی و موازنه قدرت در مقابل دشمنان بالقوه و بالفعل را افزایش داده است، برنامه موشکی این کشور است. در همین راستا آمریکا در سالهای گذشته به مقابله همه جانبه با توان موشکی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای پرداخته است. در دوران بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مناسبات ایران و آمریکا از اتحاد و ائتلاف به قطع انجامید. در تفکر راهبردی ایران ساختار توزیع قدرت در نظام بین‌المللی به رهبری قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق در تضاد با ارزش‌های اسلامی قرار می‌گرفت. در دوران بعد از فروپاشی شوروی نیز چالش‌های بنیادی در روابط ایران و آمریکا پایان نیافت. از سوی دیگر در دوران بعد از جنگ تحمیلی توسعه قدرت موشکی در دستور کار ایران قرار گرفت. تسلیحات موشکی به دلیل برخورداری از ویژگی‌های راهبردی می‌توانست برای ایران توازن قدرت را تغییر دهد. امروز جمهوری اسلامی ایران با توانایی تولید انواع موشک‌های بالستیک و کروز ساختار توزیع قدرت در سطح منطقه را تغییر داده است. در همین راستا در سال‌های اخیر، ایالات متحده آمریکا به جد برنامه موشکی ایران را در تضاد با منافع و امنیت ملی خود تعریف کرده است و به دنبال مهار و تحمیل محدودیت بر آن بوده است. راهکارهای آمریکا برای مقابله با برنامه موشکی ایران طیف مختلفی از گزینه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. دولت آمریکا، از سال ۲۰۱۰ میلادی، تحریم‌های ثانویه را به صورت گسترده علیه ایران به کار گرفت. در سال‌های اخیر، دولت و کنگره آمریکا تمایل بیشتری برای بکارگیری تحریم‌های ثانویه علیه اشخاص و نهادهای سایر کشورها، از جمله چین، روسیه، کره شمالی و سوریه نشان داده‌اند. تحریم‌ها همواره مانند اهرم‌های فشار به نحو مستقیم یا غیرمستقیم بر کشورهای هدف اعمال می‌شوند که در بردارنده نتایج متعدد و مختلفی هستند. تحریم‌های ثانویه کنگره ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. حدود اختیاراتی که به وزارت امور خارجه و وزارت خزانه داری این کشور واگذار شده و همچنین هماهنگی و همراهی کنگره در وضع قوانین تحریمی در راستای اعمال فشار بر افراد و کشورهای ثانویه دلیلی بر اهمیت نگاه به وجود این ابزار در سیاست خارجی این کشور می‌باشد و به ابزاری محبوب در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تبدیل شده و می‌تواند در آینده برای سایر قدرت‌های جهانی نیز به ابزاری مطلوب تبدیل شود.

از دیگر ابزارهای مقابله با برنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رژیم‌های کنترل صادرات است. رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات برای ایجاد ممنوعیت و محدودیت در صادرات و اشاعه موشک‌ها و پهپادها و تجهیزات و فناوری‌های مربوطه، در پی این است که با ایجاد اعتماد بر آمده از رژیم‌های بین‌المللی در زمینه موارد ممنوعه در رژیم‌ها و نقل و انتقالات بین‌المللی آنها همکاری کنند. پایه شکل‌گیری رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات محدود کردن دستیابی کشورهای خارج از بلوک غرب پس از جنگ جهانی دوم مخصوصاً کشورهای حوزه شوروی به فناوری‌های نظامی و نوین بخصوص در حوزه موشکی و سلاح‌های انهدام انبوه بود اگرچه در همان دوران جنگ سرد و پس از آن حوزه دربرگیری رژیم‌های کنترل فراتر از کشورهای بلوک شرق رفته و کشورهایی را به عنوان هدف خود تعیین نمودند و توانستند به طور مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت ملی کشورهای خارج از رژیم‌ها اثر بگذارند. در این بین برخی از رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات از جمله رژیم کنترل فناوری موشکی^۱ به دنبال وضع ساز و کارهای اجرایی برای اطمینان از عدم دستیابی سایر کشورها به فناوری‌های موشکی مرتبط با انتقال و حمل سلاح‌های انهدام انبوه و فناوری‌های دو منظوره می‌باشند.

دلایل و اهداف کاربرد تحریم

در توجیه تحریم، دلایل فراوانی ذکر می‌شود که عبارتند از: تمایل به تأثیرگذاری در سیاستها یا حتی تغییر نظام یک کشور، تنبیه و یا مجازات یک کشور به علت سیاست‌های آن. صرف نظر از این دلایل، در برخی موارد تحریم‌ها به این دلیل برقرار می‌شوند که کشور تحریم‌کننده احساس می‌کند بایستی برای جلب نظر دیگران اقدامی بکند و این

^۱ . Missile Technology Control Regime(MTCR)

تحریم‌ها می‌تواند کمتر جنجال برانگیز باشد. در این حالت، به نظرمی‌رسد اقدام سیاسی به اندازه کافی مؤثر نباشد، در عین حال توسل به نیروی نظامی نیز اقدامی افراطی محسوب می‌شود. منطق دیگری که در برقراری تحریم‌های اقتصادی از آن یاد شده است، نشان دادن تصمیم و اراده برای اقدام است. اغلب برای این که یک کشور تصمیم و اراده خود را به منصفه ظهور برساند، به برقراری تحریم مبادرت می‌ورزد. این مورد به‌ویژه در خصوص امریکا صادق است، زیرا این کشور برای این که بخواهد رهبری خود را در عرصه جهانی نشان دهد، به تحریم متوسل می‌شود (عطائی، ۱۳۸۹). "به نظر می‌رسد رؤسای جمهور امریکا احساس می‌کنند که لازم است به نوعی مخالفت خود را با رفتارهای نامناسب خارجی نشان دهند، حتی اگر احتمال این که اقدام علیه کشور هدف در رفتار آن کشور تغییری پدید نیآورد. در این موارد، تحریم به این علت اعمال می‌شود که اقدام نکردن، بیش از برقراری تحریم هزینه دارد، زیرا در صورت اقدام نکردن، سیاستمداران این کشور، اعتماد عمومی داخلی و خارجی را از دست می‌دهند و متهم می‌شوند که تمایلی به استفاده از نفوذ خود ندارد. به‌طور خلاصه، دلایل و اهداف وضع تحریم را می‌توان به‌صورت ذیل ارائه نمود (یزدان‌فام، ۱۳۸۷):

- تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی ایجاد تغییر در نظام سیاسی یک کشور؛
- تنبیه و مجازات یک کشور به علت سیاست‌های آن کشور؛
- نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف تحریم به دلایل مختلف؛
- دادن اطمینان خاطر به مخاطبان مورد نظر در کشور تحریم کننده که دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است؛
- ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف عموماً به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور، کاهش توان نظامی کشور هدف؛
- ارتقاء حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی؛
- برحذر داشتن کشور تحریم شده از تعقیب برخی سیاست‌های ناخوشایند در آینده (بازدارندگی)؛
- به کشور تحریم شده نشان داده شود که کشور تحریم کننده اقدامات آن کشور را تقبیح می‌کند؛
- به کشورهای متحد گفته شود که آنچه که به نام موضع‌گیری اظهار می‌شود توأم با برخی اقدامات عملی است (نشان دادن تصمیم و اراده برای اقدام)؛
- برای برخی محافل داخلی کشور تحریم کننده مسجل شود که دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است؛
- ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف عموماً به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور، کاهش توان نظامی کشور هدف؛
- ارتقاء حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی؛
- برحذر داشتن کشور تحریم شده از تعقیب برخی سیاست‌های ناخوشایند در آینده (بازدارندگی)؛
- به کشور تحریم شده نشان داده شود که کشور تحریم کننده اقدامات آن کشور را تقبیح می‌کند؛
- به کشورهای متحد گفته شود که آنچه که به نام موضع‌گیری اظهار می‌شود توأم با برخی اقدامات عملی است (نشان دادن تصمیم و اراده برای اقدام)؛
- برای برخی محافل داخلی کشور تحریم کننده مسجل شود که دولت آن کشور در صورت اقتضا برای تعقیب منافع ملی خود اقدام می‌کند.

مشروعیت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران

در خصوص مشروعیت تحریم‌های اولیه باید گفت که مطابق با حقوق بین‌الملل موجود، هیچ کشوری نمی‌تواند علیه کشور دیگر، اقدام به وضع تحریم‌های یک‌جانبه نماید و چنین تحریم‌هایی مجاز نبوده و از مشروعیت برخوردار نیستند. شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع تحریم را در انحصار خود نگاه داشته و در هیچ قطعنامه‌ای مجوزی برای کشورها برای توسل به

اقدامات یک‌جانبه ارائه نکرده است. اقدام به وضع تحریم‌های یک‌جانبه علیه هر کشوری با پنج سند مهم بین‌المللی در تعارض است: منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه سازمان ملل در خصوص اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط و همکاری‌های دوستانه میان دولت‌ها، قطعنامه‌های متعدد در خصوص ممنوعیت اقدامات یک‌جانبه، و قطعنامه‌های متعدد در خصوص تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر.

در این زمینه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اشعار می‌دارد؛

"تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه تحریم‌های جامع اقتصادی شکلی از مجازات‌های جمعی هستند که به‌صورت کامل در تضاد با اصول مبنایی عدالت و حقوق بشر هستند. حق زندگی، حق تغذیه کافی و مراقبت‌های بهداشتی جزء حقوق لاینفکی هستند که بخشی از قواعد آمره عمومی حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند. این حقوق‌ها هم‌چنین اساس قوانین بین‌المللی و مشروعیت منشور ملل متحد می‌باشد" (کمیسیون حقوق بشر، ۱۹۹۶).

با توجه به ساختار حقوق بین‌الملل، بدیهی است که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نقض اصول محوری منشور ملل متحد از قبیل؛ برابری حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله و وظیفه هماهنگ‌سازی است. این تحریم‌ها هم‌چنین نقض اصول محوری مندرج در "بیانیه روابط دوستانه"^۳ که اصولی از قبیل برابری حاکمیت دولت‌ها، عدم استفاده از زور، حق تعیین سرنوشت مردم، عدم مداخله در امور داخلی و خارجی دولت‌ها، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، همکاری میان دولت‌ها و اجرای با حسن نیت تعهدات مفروض تحت حقوق بین‌الملل را در برمی‌گیرد (یو. ان. داک، ۱۹۷۰).

در خصوص تحریم‌های ثانویه نیز در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق اعمال حاکمیت در قلمرو خود را دارند و نمی‌توان به قوانین داخلی یک کشور که در حیطه قلمرو قضائی آن قابلیت اعمال دارد، صلاحیت برون‌مرزی اعطا کرد. درواقع، از آنجایی که صلاحیت، جنبه‌ای از حاکمیت به شمار می‌رود، و با توجه به اصل برابری حاکمیت‌ها، اعمال صلاحیت فرا سرزمینی و برون‌مرزی درواقع به معنای مخدوش کردن حاکمیت کشور دیگر قلمداد می‌شود. به‌طور مشخص در ایالات‌متحده آمریکا در پرونده‌ی شرکت نفتی آرامکو، دیوان عالی کشور ایالات‌متحده مقرر داشت که این یک اصل باسابقه در حقوق آمریکاست که قانون‌گذاری کنگره به معنای اعمال آن صرفاً در قلمرو حاکمیت ایالات‌متحده می‌باشد.

بعضی از دولت‌ها قوانین خود را بر اشخاص، اموال یا اعمال خارج از سرزمین ملی خود اعمال می‌نمایند. وضع و اجرای قوانین فرا سرزمینی ایالات‌متحده تعارض‌های آشکاری بین این قوانین و قوانین دیگر کشورها به وجود آورده است. دولت‌ها برای گسترش صلاحیت قوانین خود دلایلی آورده‌اند. دلایلی که برای افزایش اعمال صلاحیت فرا سرزمینی آورده شده است، به این شرح است:

۱. افزایش اعمال افراد در خارج از سرزمین ملی.
۲. گسترش شرکت‌های چندملیتی.
۳. جهانی‌سازی اقتصاد از جمله شبکه بانکی بین‌المللی و بهابازارهای اوراق بهادار.
۴. افزایش جرایم بین‌المللی از جمله، قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی، فعالیت‌های تروریستی.
۵. افزایش مهاجرت غیرقانونی.
۶. افزایش استفاده از اینترنت بدون محدودیت مرزهای سرزمینی برای مصارف قانونی یا غیرقانونی از قبیل قراردادهای الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، جرایم سایبری و جنگ سایبری.

از آنجایی که در تفسیر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، بیان می‌گردد که این زور فقط منظور زور نظامی نمی‌باشد و زور سیاسی و اقتصادی را هم در برمی‌گیرد، هنگامی که یک کشور در تحریم‌های ثانویه، کشور ثالث را در صورت سرپیچی از قانون تحریم،

² . Commission on Human Rights

Declaration on Friendly Relations

⁴ . U.N.Doc. A/RES/25/2625

تهدید به تنبیه و مجازات می‌نماید در واقع برخلاف منشور ملل متحد متوسل به زور گردیده است. همچنین چنین تحریم‌هایی چون به‌صراحت مداخله در امور داخلی دیگر کشورها به حساب می‌آید برخلاف اصل مهم عدم‌مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نیز به شمار می‌رود.

چارچوب مفهومی

امنیت یک مفهوم عام است که تمامی بخش‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد و اساسی‌ترین نیاز جوامع و عاملی برای پایداری زندگی اجتماعی، بشمار می‌رود (حافظ نیا، ۱۳۸۵). امنیت هر منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی و پتانسیل‌های موجود در آن از ویژگی‌های مخصوص به خود برخوردار است که در عین حال دارای همسانی در موارد کلی امنیت با سایر مناطق می‌باشد (رضایی و دوستی مقدم، ۱۳۹۸). کشور ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و سوق الجیشی، از دیرباز با مشکلات خارجی رو به رو بوده است. قابلیت و تجهیزات نیروهای نظامی بخشی از توانمندی کشورها در افزایش امنیت و بازدارندگی است. به بیان دیگر امروزه امنیت و اقتدار یک ملت زمینه‌ساز حضور در عرصه‌های جهانی است که یکی از جنبه‌های این اقتدار توسط نیروهای مسلح و توان نظامی یک کشور تأمین می‌شود. به بیان دیگر برخورداری از امنیت ملی نیازمند برخورداری از قدرت ملی است که یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی، قدرت نظامی است. با پیشرفت تکنولوژی و تغییر در تسلیحات نظامی ایران نیز بر اساس استراتژی و دکترین دفاعی کشور توانسته است با ساخت سامانه‌های موشکی-دفاعی به صورت بومی، از پاره‌ای تهدیدات علیه امنیت ملی پیشگیری کند (زمانیان و همکاران، ۱۴۰۲). سامانه‌های موشکی یکی از سامانه‌های فرعی و تکمیل‌کننده و قوام‌دهنده بازدارندگی پس از سلاح هسته‌ای است. ایران، نیز به نوبه خود در راستای مقابله با تهدیدات ملموس و دشمنان خود، راهبرد بازدارندگی و ارتقای فناوری نظامی را اتخاذ کرده و با بهره‌گیری از سامانه‌های موشکی، توانسته است به حفظ و امنیت خود در منطقه آشوبزده غرب آسیا کمک نماید (امینیان، ضمیری، ۱۳۹۵).

ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی ایران طی مراحل مختلف و به دلایل متعدد اقدام به تحریم یکجانبه نسبت به تهران نموده است. تحریم به معنی اعمال محدودیت‌های یک دولت یا جامعه بین‌المللی علیه یک کشور یا یک گروه است. در حقیقت تحریم‌ها تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند دولت به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور یا حداقل بازگو کننده نظر یک دولت درباره این قبیل سیاست‌ها می‌باشد. در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵، تحریم‌ها بیشتر به صورت یکجانبه و اعمال محدودیت‌های سیاسی و تجاری برای اشخاص آمریکایی اجرا شد. از سال ۲۰۰۶ به بعد، در پاسخ به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و تلاش‌های ایالات متحده آمریکا برای منزوی کردن کشور، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و اتحادیه اروپایی به برنامه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا ملحق شدند (اسلامی، ۱۳۹۵). طی این سال‌ها شورای امنیت نیز در قبال برنامه هسته‌ای ایران به وضع تحریم‌هایی ذیل فصل هفتم مبادرت نمود (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). در چارچوب این فصل قطعنامه‌های تحریمی شدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران که به انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک علیه تهدیدکننده، نقض‌کننده یا متجاوز به صلح بین‌المللی مربوط است، صادر و بر اساس آن‌ها طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها در بخش‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال گردید. این تحریم‌ها علاوه بر تاثیر بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای نامناسبی بر برنامه‌های موشکی و امنیتی داشته است (افتخاری و خیراتی، ۱۳۹۸).

تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا علیه ایران را می‌توان به دو گروه اولیه و ثانویه تقسیم کرد. تحریم‌های اولیه مجازات‌هایی است که به‌طور مستقیم شامل ایران می‌شود، یعنی تحریم‌هایی که آمریکا به‌طور مستقیم بر افراد یا شرکت‌های ایرانی اعمال می‌کند و کلیه افراد و شرکت‌های آمریکایی باید آن را رعایت کنند. در تحریم ثانویه، مجازات‌ها می‌تواند افراد حقیقی و حقوقی سایر کشورها را نیز که با افراد یا شرکت‌های ایرانی تحریم‌شده مبادله داشته‌اند، شامل شود بنابراین آنها هم باید به‌منظور جلوگیری از تحریم از سوی آمریکا، از مبادله با افراد و شرکت‌های ایرانی تحت تحریم، اجتناب کنند و در غیر این صورت، با

⁵ . Secondary Sanctio

مجازات‌های مختلف روبه‌رو خواهند شد، تحریم‌هایی که بر کشور سومی اعمال می‌شوند که با کشور تحریم‌شده تعامل می‌کند بدین ترتیب که به کشور سوم گفته می‌شود اگر برخلاف تحریم‌های ایران با این کشور معامله کند، خود تحریم خواهد شد؛ یعنی از معامله با آمریکا کنار گذاشته می‌شود. تا پیش از تولد مفهوم تحریم ثانویه، این نوع تحریم تنها در صلاحیت شورای امنیت ملل متحد بود. با تولد مفهوم تحریم ثانویه، آمریکا اقتداری مشابه شورای امنیت را به‌نمایش می‌گذارد؛ بدین‌صورت که به کشورهای دیگر رسماً اعلام می‌کند حق دادوستد با کشوری چون ایران را ندارند، وگرنه آمریکا آن‌ها را هم با قطع دسترسی‌شان به دلار و بازار مالی و کالایی این کشور مجازات می‌کند. به نظر می‌رسد این نوع تحریم می‌تواند بر توسعه هر گونه فن آری از جمله برنامه‌های موشکی کشور اثرگذار باشد.

در طول دهه‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای شده است تا با وضع قوانین و توافقنامه‌ها در عرصه‌های مختلف، نوعی اصول و قواعد رفتاری لازم‌الاجرا در صحنه بین‌المللی غالب گردد تا استخدام و به‌کارگیری تکنولوژی و تسلیحات را کنترل کند. تلاش قدرت‌ها بر آن بوده است تا رژیم‌هایی لازم‌الاجرا برای کشورها ایجاد شود و تخلف از آنها با تبعات گسترده‌ای روبه‌رو گردد. کشورهای قدرتمند از این راه کوشیدند انحصار و برتری خود را تضمین کنند (امینیان و سجادی، ۱۳۹۶). رژیم حاکم بر فناوری و تسلیحات هسته‌ای نمونه مشخصی از نهادینه شدن این تبعیض به شمار می‌رود. امروزه، برای جبران نابرابری‌ها و تضمین بازدارندگی و توان ایفای نقش مؤثر و مستقل، موشک‌ها به ابزار مؤثری برای کشورهایی همانند ایران تبدیل شده است. به موازات این پیشرفت قانون یا رژیم قدرتمندی در این عرصه مستقر نشده است؛ به‌همین دلیل، تلاش‌های گسترده‌ای از طرف قدرت‌های بین‌المللی برای کنترل گسترش توان موشکی و به‌کارگیری آن در جریان است. آنها می‌کوشند با تصویب قوانین الزام‌آور و استقرار رژیم قدرتمند، تلاش‌ها در عرصه موشکی را تحت کنترل خود قرار دهند (امینیان و ضمیری، ۱۳۹۵).

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، جهان شاهد شکل‌گیری شمار زیادی از توافقات درباره سازوکارها و موافقتنامه‌های ملی دوجانبه و گروهی در زمینه اشاعه ندادن و کنترل صادرات برای جلوگیری از انتقال مواد، تجهیزات و تکنولوژی شیمیایی-میکروبی و هسته‌ای، سلاح‌های متعارف و اقلام موشکی بود که رژیم کنترل تکنولوژی موشکی یکی از این رژیم‌هاست. در سال ۱۹۸۷ در پی اوج‌گیری نگرانی‌های بین‌المللی درباره اشاعه تسلیحات موشکی به دعوت ایالات متحده آمریکا، هفت کشور صنعتی جهان رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (ام تی سی آر) را ایجاد کردند. این رژیم از کشورهایی تشکیل شده است که در اشاعه نیافتن موشک، منافع و درک سیاسی مشترک دارند. رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (ام تی سی آر) به عنوان یکی از مهمترین ترتیبات سیاسی بین‌المللی موجود در زمینه موشکی و با هدف کنترل انتقالات بین‌المللی در این زمینه به امنیت کشورهای جهان، به ویژه ایران، ارتباط پیدا می‌کند. این رژیم امنیتی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و بازدارندگی موشکی ایران را، که تکیه‌گاه اصلی امنیت ملی کشور است، می‌تواند با مشکل مواجه سازد (امینیان و ضمیری، ۱۳۹۵). رژیم کنترل تکنولوژی موشکی به عنوان رژیم امنیتی سعی در ایجاد نرم‌ها و هنجارهایی در سطح جهانی دارد و از ابتدای شکل‌گیری مسئولیت، انتقال تکنولوژی موشکی را برعهده کشورهای عضو قرار داده و فشارهای سیاسی را نسبت به کشورهای خاطی اعمال می‌کند. این رژیم با مقررات داخلی، دستورالعملها و اعلامیه‌ها هزینه‌های انتقال تکنولوژی به کشورهای غیر عضو را افزایش داده و سعی در ایجاد رویه بین‌المللی در زمینه موشک دارد. این رژیم در سال ۱۹۸۷ به صورت غیررسمی و داوطلبانه نوعی از موافقتنامه‌های چندجانبه کنترل صادرات را نشان می‌دهد که طی نگرانی‌های امنیتی آمریکا و دیگر کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته موشکی برای مقابله با انتقال تکنولوژی موشک به کشورهای جهان سوم تشکیل شده است و می‌کوشد با ایجاد اعتماد و همکاری در زمینه تکنولوژی موشکی و انتقالات بین‌المللی موشک به ثبات بین‌المللی در این زمینه کمک کند و می‌توان گفت عامل اصلی در اعمال و تغییر آن تصمیمات کشورهایی مانند امریکاست (راماچندرا، ۲۰۱۶). به طور تقریبی، تمام عوامل مؤثر در تشکیل رژیم‌ها را می‌توان در رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (که

⁶ The group of seven (7G)

⁷ Ramachandra

عواملی مانند نفع شخصی هفت کشور صنعتی که با قدرت سیاسی و دانش تکنولوژی خود ترتیبات و اصول ام تی سی آر را به وجود آوردند) مشاهده کرد. اعضای این گونه رژیم ها از استاندارد های دو گانه استفاده کرده وهمین امر در برخی موارد محدودیت های ناعادلانه و غیر منصفانه برای تحقیقات علمی یک کشور ایجاد می کند به عبارت دیگر، چنین کشورهایی با هدف ایجاد یک قرنطینه فناورانه علیه کشورهای هدف از جمله ایران، به دنبال اعمال ضرباتی تعیین کننده به بنیه استراتژیک ایران از طریق محروم ساختن این کشور از سطوح گوناگون فناوریهای دفاعی هستند(امینیان، سجادی، ۱۳۹۵). ایران براساس قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بوده است؛ بنابراین، می توان به وضوح این مطلب را ابراز داشت که تأثیر این رژیم بر امنیت ایران امری ضروری است. به طوریکه، از عملکرد تبعیض آمیز رژیم می توان استنباط کرد که جمهوری اسلامی ایران تاکنون هدف اصلی رژیم برای منع دستیابی به تکنولوژی موشکی بوده است و رژیم نتوانسته مانع فعالیتهای موشکی ایران بشود، ولی هزینه های دستیابی کشور را به تکنولوژی موشکی بسیار بالا برده است. تحریم های آمریکا و محدودیت های ناشی از رژیم های کنترل صادرات در دو بعد اصلی یعنی تحریم ها و محدودیت های هسته ای و تسلیحاتی بر علیه جمهوری اسلامی ایران بنا نهاده شدند. رژیم های کنترل صادرات به عنوان حلقه ای متصل به تحریم ها به عنوان ابزاری برای مقابله با برنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قوانین تحریم های ثانویه ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار می گیرد. به نظر می رسد تحریم ها به وسیله این رژیم ها و قوانین آنها کارایی به مراتب بالاتری از خود بروز می دهند. از آنجا که تحریم های ثانویه تأثیرات مختلفی بر توان دفاعی و امنیتی کشور دارد تحلیل این تأثیرات و میزان تأثیر هر کدام حائز اهمیت می باشد. با توجه به آنکه تحریم به عنوان بخشی از سیاست خارجی آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران می باشد و از طرفی چشم انداز پیش روی جمهوری اسلامی ایران نیز نشانی از رفع این تحریم ها دیده نمی شود ارزیابی نقش این تحریم ها برای شناخت و تأثیر آن بر برنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران و خصوصا برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران امری ضروری است.

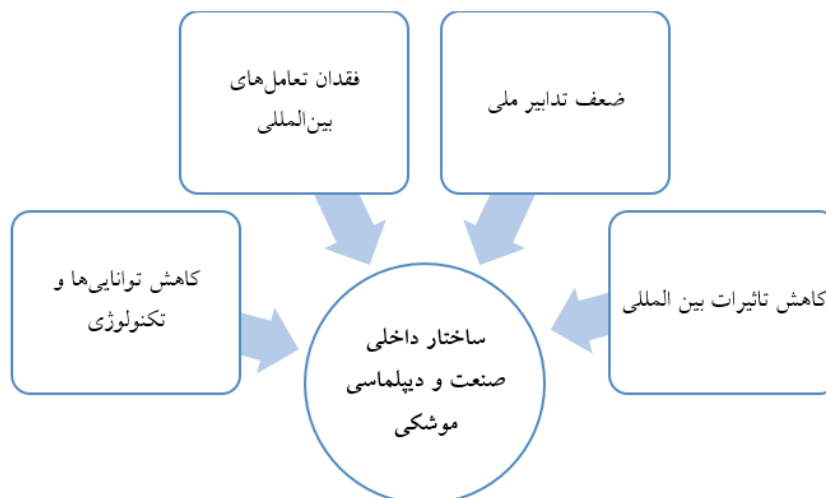
ساختار داخلی صنعت و دیپلماسی موشکی

شاخص بعدی به دست آمده از تحلیل تم پیرامون آثار تحریم های ثانویه و رژیم های کنترل صادرات بر برنامه موشکی ایران ساختار داخلی صنعت و دیپلماسی موشکی بود که از به هم پیوستن کدهای تفسیری ضعف تدابیر ملی، فقدان تعاملات بین المللی، کاهش تأثیرات بین المللی، و کاهش توانایی ها و تکنولوژی حاصل شد. سیاستها و تدابیر داخلی کشور در زمینه توسعه صنعت موشکی، ساختار دولتی و سازمانی مسئول امور موشکی در کشور، استراتژیها و برنامههای توسعه موشکی، روابط و تعاملات کشور با سایر کشورها در زمینه موشکی، شرکت در توافقنامههای بین المللی مرتبط با موشکها، تعهد به تعامل بین المللی و مذاکرات، تأثیر صنعت موشکی بر امنیت منطقه و جهان، شناسایی تهدیدات و چالشهای امنیتی مرتبط با موشکها، بررسی تأثیرات احتمالی از دیپلماسی موشکی بر امنیت، توانایی های تولید و توسعه موشکها، تکنولوژیهای استفاده شده در صنعت موشکی، توانایی ها و محصولات موشکی مورد تولید در داخل کشور از جمله کدهای توصیفی این تم اصلی بودند.

ساختار داخلی صنعت و دیپلماسی موشکی به تنظیم و ترتیب داخلی کشور برای توسعه، تولید، نگهداری، و مدیریت تکنولوژی و سیاستهای مرتبط با موشکها اشاره دارد. این ساختار شامل سازمانها، ادارات، قوانین، سیاستها، منابع مالی، نیروی کار متخصص، و تمامی عواملی است که به تشکیل و عملکرد صنعت و دیپلماسی موشکی کشور کمک می کنند. ضعف سیاستها و تدابیر داخلی کشور در زمینه توسعه صنعت موشکی، ضعف ساختار دولتی و سازمانی مسئول امور موشکی در کشور، استراتژیها و برنامههای توسعه موشکی، ضعف روابط و تعاملات کشور با سایر کشورها در زمینه موشکی، عدم شرکت در توافقنامههای بین المللی مرتبط با موشکها.

عدم تعهد به تعامل بین المللی و مذاکرات، نشناساندن تأثیر صنعت موشکی بر امنیت منطقه و جهان، عدم شناسایی تهدیدات و چالشهای امنیتی مرتبط با موشکها، عدم بررسی تأثیرات احتمالی از دیپلماسی موشکی بر امنیت، کاهش توانایی های تولید و

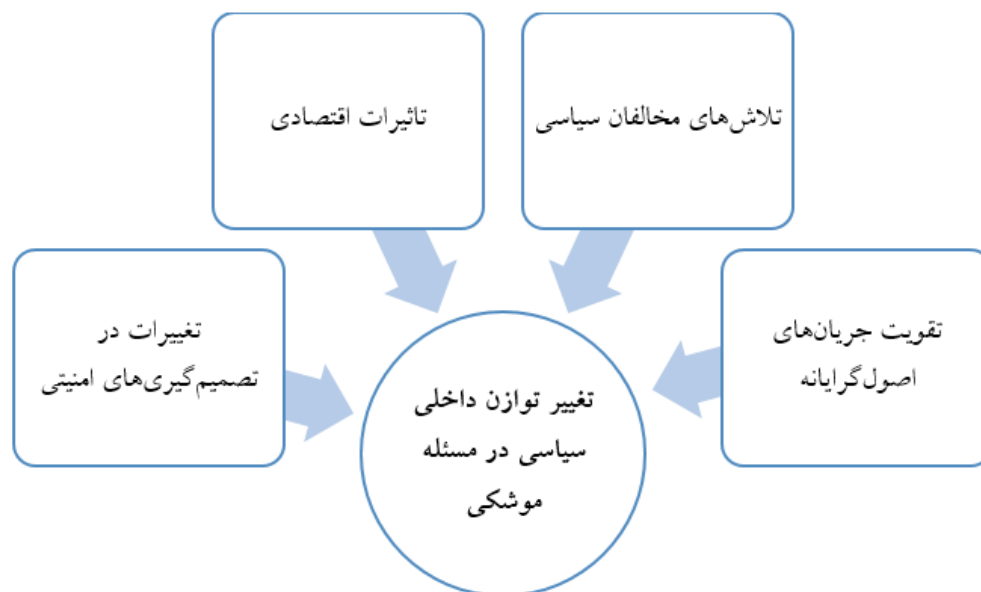
توسعه موشک‌ها، به روز نشدن تکنولوژی‌های استفاده شده در صنعت موشکی، کاهش محصولات موشکی مورد تولید در داخل کشور از جمله مفاهیمی است که اثرات منفی بر ساختار داخلی صنعت و دیپلماسی موشکی می‌گذارد.



شکل ۱- شبکه ساختار داخلی صنعت و دیپلماسی موشکی

تغییر توازن داخلی سیاسی در مسئله موشکی

شاخص بعدی به دست آمده از تحلیل تم پیرامون آثار تحریم‌های ثانویه و رژیم‌های کنترل صادرات بر برنامه موشکی ایران تغییر توازن داخلی سیاسی در مسئله موشکی بود که از کدهای تفسیری تقویت جریان‌های اصول‌گرایانه، تلاش‌های مخالفان سیاسی، تأثیرات اقتصادی، تغییرات در تصمیم‌گیری‌های امنیتی تشکیل شد. تقویت نیروها یا جریان‌های سیاسی اصول‌گرایانه و آزادخواهانه، افزایش نفوذ اصول‌گرایانه در نظام سیاسی، تحریک تغییرات در سیاست‌گذاری ملی در زمینه موشکی، تلاش‌ها و جلب حمایت مخالفان سیاسی به منظور تغییر سیاست‌ها، ایجاد فشارهای سیاسی برای محدودسازی برنامه‌های موشکی، استفاده از موقعیت مخالفان در نهادهای سیاسی، تأثیرات تغییر توازن داخلی بر روی اقتصاد کشور، تأثیر تحولات سیاسی بر سیاست‌های اقتصادی، اهمیت و تأثیرات تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در موقعیت موشکی، تأثیر تغییر توازن داخلی بر تعیین اولویت‌ها در امنیت ملی، تغییر در سیاست‌های امنیتی ملی به علت تغییرات در توازن داخلی و تغییر در نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های امنیتی در داخل کشور از جمله کدهای توصیفی این تم اصلی بودند. توازن داخلی سیاسی به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه‌های مختلف، جریان‌ها، نهادها و نیروهای سیاسی در یک کشور به نسبت یکدیگر توازن دارند و هیچ گروهی بر دیگری تسلط کامل ندارد. این توازن باعث می‌شود که هیچ گروه یا نهاد مشخصی قدرت و حاکمیت کامل بر سایر گروه‌ها نداشته باشد و تصمیمات با مشارکت و توافق میان انواع اقشار و جریان‌های مختلف اتخاذ شوند. توازن داخلی سیاسی معمولاً به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت در دست یک گروه یا فرد خاص و حفظ پایداری و اعتماد به نظام سیاسی تأکید دارد.



شکل ۲- شبکه تغییر توازن داخلی سیاسی در مسئله موشکی

توان موشکی ایران

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پایداری ملی، اندیشکده هریتیج به تازگی گزارشی با عنوان شاخص قدرت نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده و در آن به بررسی وضعیت نظامی آمریکا در آینده و چالش‌های پیش روی آن پرداخته است. از جمله مسائلی که در این گزارش آمده رویارویی‌های نظامی با کشورهایی چون روسیه، چین، کره شمالی و ایران است. همچنین به شکلی موکد روی کمبود بودجه و کهنگی تجهیزات ارتش این کشور تمرکز شده است.

تهدید موشکی بالستیک ایران: در این گزارش آمده است: «در عین حالی که آمریکا در حال از دست دادن نظامی دهه‌های اخیر خود است، ایران برنامه گسترده‌ای برای توسعه توان موشکی خود دارد. در این برنامه، ایران کمک‌های بسیاری از کره شمالی و پشتیبانی محدودی از روسیه و چین تا قبل از آنکه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل اعمال شوند دریافت نمود. پنتاگون پیش‌بینی می‌کند که: ایران می‌تواند موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی را که بتواند تا ایالات متحده برسد را تا سال ۲۰۱۵ تولید و تست نماید. از سال ۲۰۰۸، ایران چندین بار با موفقیت موشک ماهواره‌بر سفیر را با موفقیت آزمایش کرده است و همچنین از موشک ماهواره‌بر بزرگتر دو مرحله‌ای سیم‌رغ رونمایی کرده است. این موشک می‌تواند زمینه آزمایشی برای توسعه فناوری‌های موشک بالستیک قاره‌پیما فراهم آورد. اگرچه زرادخانه موشکی تهران در وهله اول تهدیدی برای پایگاه‌ها و هم‌پیمانان آمریکا در منطقه محسوب می‌شود، اما ایران در نهایت می‌تواند برد موشک‌های خود را تا ایالات متحده افزایش دهد. پنتاگون در گزارش ژانویه خود درباره قدرت نظامی ایران ارزیابی کرد که ایران به توسعه توانمندی‌های فنی خود در زمینه تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های برد بلند با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای ادامه می‌دهد تا در صورتیکه رهبری ایران تصمیم بگیرد از آنها استفاده نماید. ارزیابی جهانی، به تهدید وسعت زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران و قابلیت قاره‌پیما بودن آن موشک‌ها اشاره می‌کند. این ارزیابی همچنین انگیزه ایران برای توسعه موشک‌های برد بلند از جمله موشک‌های قاره‌پیما را بازدارندگی آمریکا و هم‌پیمانان آن بیان می‌کند. با این حال، این ارزیابی نتیجه‌گیری درباره میزان یا احتمال تهدید برنامه موشک‌های برد بلند ایران برای منافع آمریکا ارائه نمی‌دهد. در نهایت، توان موشکی بالستیک ایران تهدید منطقه‌ای برای آمریکا و هم‌پیمانان آن بشمار رفته و تهران در نهایت می‌تواند برد موشک‌های خود را افزایش داده و آن را تا ایالات متحده برساند.»

تهدیدات فکری ایران در منطقه: این گزارش می‌افزاید: «از سویی دیگر، ایران از اختلافات فرقه‌ای بین شیعه و سنی برای بهره‌برداری از بی‌ثباتی در کشورهای همسایه خود و افغانستان استفاده می‌کند. ایران به تنش‌های شیعی - سنی برای افزایش تاثیرگذاری خود بر رژیم‌های درمانده منطقه می‌افزاید. تهران تلاش می‌کند تا امپراطوری غیرمتمعارفی را از طریق اعمال نفوذ

بیشتر در گروه‌های غیردولتی از قبیل حماس، حزب‌الله، سپاه مهدی عراق، عصاب الحق و جنبش انصارالله یمن ایجاد نماید. ایران بر شیعیان هزاره که در زمان طالبان مورد تعرض قرار گرفتند تاثیر می‌گذارد. ایران همچنین پس از آنکه طالبان توسط نیروهای ائتلاف از قدرت پایان کشیده شد تسلیحات در اختیار این گروه قرار داد. هرات یکی از شهرهای افغانستان نزدیک مرز ایران مدت‌هاست که توسط ایران به عنوان منطقه‌ای برای تاثیرگذاری در نظر گرفته شده است. ایران به افزایش توان نظامی خود از جمله گسترش توان موشکی که می‌تواند تهدیدی برای رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان ناتو در جنوب غربی اروپا و همچنین نیروهای آمریکایی حاضر در منطقه باشد ادامه می‌دهد. تهران همچنین تهدید کرده است که در صورت هر گونه حمله از جانب آمریکا یا رژیم صهیونیستی، صادرات نفت و گاز خود را قطع خواهد کرد.»

روند نزولی توان نظامی آمریکا: در چکیده‌ای که پایگاه فری‌بیکن از همین گزارش منتشر کرده آمده است: ارتش آمریکا در حال حاضر توانایی انجام دو جنگ بزرگ را بطور همزمان ندارد. این بمعنای کاهش چشمگیر توان نظامی این کشور است که مقامات آمریکایی دهه‌ها به آن افتخار می‌کردند. در این گزارش آمده است: نیروهای مسلح از تجهیزات کافی برای انجام دو نبرد بزرگ منطقه‌ای بطور همزمان برخوردار نیستند. هدف دو نبرد همزمان عمدتاً در زمان جنگ سرد حاصل شد، زمانی که نیروهای آمریکایی هر ۱۰ تا ۲۰ سال یکبار درگیر جنگ می‌شدند پس می‌توانستند نیروهای زمینی خود را در دیگر مناطق برای حفظ ثبات یا مقابله با دشمنان بکار بگیرند. آن راهبرد ارتش آمریکا را قادر می‌ساخت تا در حالی که با یک دشمن مقابله می‌کرد دشمن دیگر را در جایی دیگر شکست دهد. اما طبق این گزارش، این راهبرد دیگر دست‌یافتنی نیست.

در این گزارش آمده است: کاهش دائمی منابع مالی و نیروهای نظامی، ارتش را تحت فشار قرار داده است. بازسازی واحدها انجام نمی‌شود و واحدهای رزمی کمتر جایگزین می‌شوند و مجبور هستند برای مدت طولانی‌تری در یک منطقه بمانند و همچنان از تجهیزات قدیمی استفاده می‌شود و برنامه‌ای برای جایگزینی آنها وجود ندارد. مجموع تاثیر این عوامل باعث ایجاد ارتشی شده است که به سختی می‌تواند از منافع حیاتی آمریکا دفاع نماید. اگر کاهش بودجه نظامی همچنان ادامه داشته باشد، در دهه آینده تقریباً یک تریلیون دلار از بودجه وزارت دفاع کاسته می‌شود. طبق این گزارش، مدت‌هاست که همه شاخه‌های ارتش در شرایط بدی قرار دارند. ارتش تنها ۱۲ تیپ رزمی آماده برای نبرد در انتهای سال گذشته داشت. این درحالیست که بررسی‌های دفاعی در دولت اوباما خواستار ۴۵ تیپ رزمی فعال شده بود. نیروی دریایی با کمبود ۲۴ ناو جنگی مواجه است. تعداد نیروهای تفنگدار آمریکایی در سال ۲۰۱۷ از ۱۸۸۰۰ به ۱۷۵۰۰۰ نفر کاهش خواهد داشت. این گزارش همچنین تاکید می‌کند که نیروی هوایی در بهترین شرایط خود قرار دارد. وسعت و آمادگی نیروهای مسلح آمریکایی از زمانی که دنیا دچار بی‌ثباتی است کاهش یافته است. این گزارش همچنین ادعا می‌کند که تهدیدات علیه منافع ملی حیاتی آمریکا از جانب کشورهای نظیر ایران، تروریسم خاورمیانه و کره شمالی روبه‌افزایش است. سطح تهدیدات از جانب روسیه و چین حتی بسیار بالاتر است. روسیه بزرگترین زرادخانه تسلیحات اتمی را در بین قدرت‌های اتمی جهان در اختیار دارد و علاقه خود را برای ضربه زدن به هم‌پیمانان آمریکا در اروپا نشان داده است. نشانه این ادعا هم بحران اوکراین است. چین در حال مدرنیزه کردن نیروهای اتمی و متعارف خود است و اقدامات جدی برای ضربه به منافع آمریکا در منطقه آسیا-پاسفیک انجام داده است. این گزارش همچنین نگرانی‌هایی را درباره وضعیت نیروهای اتمی آمریکا مطرح می‌کند. مقامات دفاعی کلاهک‌های اتمی جدیدی را ساخته‌اند و تجهیزات پرتابی مدت مدیدی است که جایگزین نشده‌اند. این گزارش می‌گوید: تقریباً هر قدرت اتمی در جهان برنامه مدرنیزه سازی کلاهک‌های اتمی و تجهیزات پرتابی را دنبال می‌کند. به گفته بنیاد هریتیج، شاخص نظامی آمریکا که برای اولین بار امسال منتشر شد بعنوان معیاری برای ارزیابی توان دفاعی آمریکا محسوب می‌شود. طبق گزارش بنیاد هریتیج، نهاد ریاست جمهوری، پنتاگون و نیروها بصورت دوره‌ای چندین گزارش درباره راهبرد دفاعی و وضعیت نیروهای نظامی آمریکا منتشر می‌کنند. اما، این گزارش‌ها معیار درستی برای ارزیابی نیروهای مسلح آمریکا محسوب نمی‌شوند.

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران و تعاملات منطقه ای

اشاعه موشک عمدتاً یک مشکل منطقه ای است، به ویژه در مناطقی که صلح شکننده است: خاورمیانه، شمال شرقی آسیا و جنوب آسیا. در دیگر مناطق جهان مسابقه های تسلیحات موشکی از اهمیت ثانویه برخوردار هستند. منازعات منطقه ای تقاضا

برای فناوری پیشرفته تر موشکی را افزایش می دهد و این می تواند به فراتر از منطقه گسترش یابد. تحت چنین شرایطی، یک تهدید خطرناک موشکی در سطح جهانی می تواند ظهور کند (Bahgat and Ehteshami, 2017) از نظر والتز و دیگر نظریه پردازان واقع گرا، منطقه غرب آسیا با دو چالش مستمر در خصوص آینده ثبات آن بر پایه توزیع قدرت در میان دولت های آن مواجه است. الف) داشتن سلاح های هسته ای توسط اسرائیل در چارچوب ابهام راهبردی رابطه میان اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه را ذاتا نامتوازن و بنابر این مستعد منازعه و درگیری می سازد. به همین دلیل والتز از این ایده که گسترش فناوری سلاح های هسته ای به ایران منجر به ثبات غرب آسیا خواهد شد دفاع می کرد؛ ب) دست کشیدن امریکا از راهبرد مهار دوگانه؟ به نفع سیاست های مداخله گرایان تهاجمی به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، عراق را به عنوان یک قدرت اصلی در منطقه غرب آسیا و موازنه دو قطبی منطقه ای بین عراق و ایران را از بین برد. براساس دیدگاه واقع گرایان، توزیع متناسب قدرت منجر به ارتقای صلح و ثبات خواهد شد، در حالی که توزیع نامتناسب قدرت عدم اطمینان از نیات دولت ها که جنگ را به عنوان یک نتیجه احتمالی رقابت امنیتی با حاصل جمع جبری صفر ارزیابی می کنند، افزایش می دهد، در چنین مواردی دولت های ضعیف تر تمایل دارند که با افزایش قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی از طریق ابزارهای داخلی یا شکل گیری اتحادها موازنه قدرت در برابر رقبای قوی تر را ایجاد نمایند.

معتقدان به نظریه نواقعی گرای تدافعی بر این باورند که ممکن است واقعاً کشورها از توسعه تجهیزات نظامی اهداف توسعه طلبانه نداشته باشند، بلکه صرفاً جهت بالا بردن ضریب امنیتی خود در فضای آنارشیک نظام بین الملل به این اقدام دست زده باشند. یعنی بر خلاف آنچه که برخی از افراد و دولت ها تصور می کنند، دولتها همواره به دنبال رویکرد تهاجمی نیستند، اما مشکلی که وجود دارد این است که این رفتار دولت ها همواره از سوی رقبای آنها به عنوان تلاشی برای برهم زدن نظم موجود تلقی می شود، بنابراین سعی می کنند به اقدامات متقابل در این خصوص دست زنند که نتیجه ی این امر چیزی جز تطویل چرخه معمای امنیتی نیست (میرزاده، ۱۳۸۴: ۴-۱۳۳). تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروی هوایی ایران به عنوان بزرگترین نیروی هوایی در خلیج فارس - نسبت به نیروی هوایی کشورهای منطقه، از جمله برخی از کشورهای مورد مطالعه در این نوشتار از برتری محسوسی برخوردار بود. اما قابلیت حمله در عمق ایران بعد از گسست در روابط ایران و غرب به سرعت کاهش یافت و دسترسی به تجهیزات مجزا، نگه داری، آموزش خلبانان و مهمات پیشرفته محدود گشت. این در حالی است که کشورهای منطقه در طول این سال ها توانسته اند با فراغ بال و صرف هزینه های کلان تعداد ناوگان هوایی و تجهیزات فنی مرتبط با توان هوایی خود را تا حد زیادی افزایش دهند، در طول دوره مطالعاتی این پژوهش کشورهای عربستان، ترکیه، مصر، اسرائیل و عراق (۲۰۱۷-۲۰۰۴) هر کدام به طور میانگین به ترتیب ۹۱، ۲۰۴، ۲،۲، ۲۸ و ۶۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه های نظامی کرده اند. این در حالی است، در همین دوره ایران فقط ۲،۲ از تولید ناخالص داخلی خود را به هزینه های نظامی اختصاص داده است، در واقع، جمهوری اسلامی ایران جهت تعدیل این محدودیت ها و موانع در صدد برآمد با تقویت توانمندی موشکی به صورت بومی این نقیصه را برطرف نماید. در این خصوص ولی نصرا در مقاله ای در مجله فارن افرز "تحت عنوان «ایران در میان ویرانه ها» ۳ معتقد است، در طول سال های اخیر با توجه به میزان تفاوت ها در زمینه هزینه ها و مخارج نظامی کشورهای منطقه در مقایسه با ایران، این کشور برای جبران این تفاوت ها به تقویت برنامه موشکی خود به عنوان یک چتر حمایتی بر سر دیگر نیروهای مسلح خود با توجه به تجربه موفقیت آمیز پاکستان در مقابل هند پرداخته است. ایده ایران آن است که با یک برنامه موشکی توسعه یافته حتی یک کشور بسیار قدرتمندتر نمی تواند به ایران با توابع آن بدون مواجهه با یک انتقام ویرانگر حمله کند. همچنین سید حسین موسویان در مقاله خود با عنوان «شش عامل مهمی که بر سیاست های موشکی ایران تأثیر می گذارند» معتقد است: عدم توازن قوای نظامی متعارف در منطقه نقش مهمی در سیاست های موشکی ایران بازی می کنند. در حالی که ایران برای دهه ها تحت تحریم تسلیحاتی بوده، رقبای منطقه ای این کشور، به خصوص عربستان یک چک سفید برای خرید هر گونه سلاح پیشرفته ای در اختیار دارند. عربستان با بودجه نظامی ۶۹،۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ در رتبه اول وارد کنندگان اسلحه در جهان قرار گرفت. این در حالی است که اسرائیل با بودجه نظامی ۱۹،۶ میلیاردی خود، به پیشرفته ترین تجهیزات نظامی مجهز است. در مقایسه، بودجه نظامی ایران ۱۴،۵ میلیارد دلار

است، که تنها کسری از بودجه نظامی همسایگانش را تشکیل می دهد. ایران توسط نیروهای نظامی امریکا و هم چنین چند کشور دارای سلاح اتمی مانند رژیم صهیونیستی و پاکستان احاطه شده است. رژیم صهیونیستی که روابط خصومت آمیزی با ایران دارد دارای ۲۰۰ کلاهک هسته ای می باشد که می تواند توسط موشک های بالستیک جریکو -۲ (۳۵۰۰ کیلومتر)، جریکو -۳ (۶۵۰۰ کیلومتر) و هم چنین از طریق هوا و دریا پرتاب شوند» (موسویان، ۱۳۹۷: ۲). اما به رغم این که رهبران جمهوری اسلامی ایران دائماً تایید کرده اند که برنامه موشکی این کشور صرفاً برای اهداف دفاعی و بخشی از راهبرد بازدارندگی است. با این وجود، این تضمینها منجر به کاهش نگرانی های قدرت های منطقه ای و جهانی نشده است (Bahgat and Ehteshami, 2017). این موضوع علاوه بر تاثیر گذاری بر تعاملات میان کشورهای منطقه و فرامنطقه واکنش هایی را نیز به همراه داشته است، می توان گفت برداشت بیشتر کشورهای منطقه غرب آسیا، به ویژه کشورهای عربی با این تعبیر مروان کابلان مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی موسسه عرب سنتر - همخوانی دارد ذخایر موشک بالستیک ایران، که می تواند هر نقطه ای از شبه جزیره عربستان را مورد هدف قرار دهد، در حقیقت گزینه هسته ای ایران برای کشورهای خلیج فارس است این تلقی از برنامه موشکی ایران ناگزیر واکنش منطقه ای، عمدتاً از سوی کشورهای شورای همکاری خلیج {فارس} و اسرائیل به همراه داشته است جای تعجب نیست، کشورهایی که نزدیکترین شرکای امریکا در غرب آسیا هستند، دشمنان اصلی منطقه ای ایران و مهم ترین هدف های بالقوه اسرائیل، عربستان و امارات - حملات موشکی ایران هستند، این کشورها مهم ترین مخالفان برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران و توانایی های موشکی و راکتی توابع منطقه ای آن هستند در حالی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قصد داشتند سامانه های دفاع موشکی تجهیز شده امریکایی را مستقر کنند، اسرائیل به طور گسترده ای در زمینه سامانه های چند لایه پیچیده شامل آرو، دیوید اسلینگ و گنبد آهنین، شامل یک نیروی دفاع موشکی پیشرفته که قادر به حمل محموله های سنگین (و غیر متعارف) به قلب مراکز شهری ایران و مناطق صنعتی می باشد، سرمایه گذاری کرده است. این اجزاء، که عمدتاً توسط امریکا تامین مالی شده اند، درجات مختلفی از دقت را به دست آورده اند

از سوی دیگر، از اوایل دهه ۱۹۹۰، واشنگتن با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای محافظت از تاسیسات نظامی و اقتصادی شان در برابر حملات بالقوه موشکی همکاری کرده است، برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه عربستان و کویت سامانه های پاتریوت و تاد از پیشرفته ترین سامانه های دفاع موشکی در جهان را خریداری و مستقر نموده اند. امریکا آتش بارهای پاتریوت را در بحرین، کویت، قطر و امارات مستقر کرده است تا از اهداف با ارزشی مانند فرودگاهها، تاسیسات بندری و پایگاه های نظامی حفاظت به عمل آید. کویت و عربستان در حال حاضر از آتش بارهای پاتریوت پک -۲ بهره می برند و به دنبال ارتقای آنها نیز می باشند. این در حالی است که قطر در پی خرید آتشبارهای پک -۲۳ است. امارات پیش از این آتش بارهای پک -۳ را در اختیار گرفته بود و نخستین کشوری است که سامانه تاد را در بیرون از خاک امریکا مستقر کرده است. قطر، عربستان و احتمالاً عمان نیز به دریافت این سامانه پدافند موشکی ابراز تمایل کرده اند (Izewicz, 2017). در نشست کمپ دیوید ۲۰۱۵، عربستان، قطر، کویت، امارات، عمان، بحرین و امریکا مجدداً متعهد به ایجاد یک سامانه دفاع موشکی منطقه ای یکپارچه شامل رادار هشدار سریع و سایت های موشکی سطح به هوا شدند. با این حال، تلاش های امریکا برای تشویق کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای اتخاذ یک رویکرد هماهنگ و یکپارچه، در بهترین حالت نتایج متفاوتی را به دست آورده است، این کشورها خود را در برداشت های امریکا از تهدیدات منطقه ای سهیم نمی دانند و حتی برای برخی از آنها، استقرار سامانه های نظیر تاد به عنوان یک اقدام تحریک آمیز و نیز هزینه بر نگریسته می شود، با وجود این، یکپارچگی و هماهنگی نظامی یکی از حساس ترین موضوعات برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است و بنابراین این تلاش ها تا حدود زیادی مبهم هستند. ترغیب این دولت ها برای کنار گذاشتن اختلافات شان و به اشتراک گذاشتن داده های رادار هشدار سریع و سپس یکپارچگی توانمندیها و قابلیت های سامانه های رهگیری موشکی یکجانبه آنها به منظور گسترش و بهبود چتر دفاعی بر کل منطقه گام بعدی خواهد بود، اما مشخص نیست که آیا این اتفاق خواهد افتاد یا خیر، در واقع یکپارچگی بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه در زمینه نظامی، نگرانی ها از سلطه عربستان

را تشدید می‌کند. پرداختن به این نگرانی در وهله اول، یک موضوع جدی در میان خود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است (Joshi and Stephens 2013) تهدید انگاری کشورهای منطقه از برنامه موشکی ایران با پیوند دادن آن به برنامه هسته‌ای، به ویژه پس از حملات موشکی گروه حوثی‌های یمن به عربستان و امارات از شدت بیشتری در سال‌های اخیر برخوردار گردید. برای نمونه انور بن محمد کارگاش وزیر وقت امور خارجه امارات در خصوص توانمندی موشکی ایران بیان می‌کند: این یک گسترش جدی است و ادعای ایران مبنی دفاعی بودن ماهیت برنامه موشکی اش را تضعیف می‌کند، امارات متحده عربی در سایه چنین تهدیدی باقی نخواهد ماند» در خصوص اسرائیل می‌توان گفت تامین امنیت آن در دکترین روسای جمهور امریکا همواره به عنوان یک تعهد راهبردی این کشور تلقی گردیده است. در منظومه فکری آنها اسرائیل تنها تکیه‌گاه و تنها دولت دارای نظام لیبرالی در منطقه خاورمیانه است و در نتیجه، حفظ بقای آن جزء منافع حیاتی امریکاست. در اسناد دفاعی و امنیت ملی آمریکا از حفظ برتری راهبردی اسرائیل با عنوان برتری کیفی نظامی " یاد می‌شود. حفظ برتری راهبردی اسرائیل از دوران ریاست جمهوری لیندون جانسون در اسناد امنیت ملی آمریکا نهادینه شده است، لذا هر گونه تغییر در موازنه قدرت در منطقه به ضرر اسرائیل را غیرقابل قبول ارزیابی می‌کنند (1397/12/1)

(www.nationalstrategy.ir، اسرائیل متحد بسیار نزدیک امریکا است و این موقعیت به اسرائیل این امکان را میدهد که از پیشرفته‌ترین فناوری‌های امریکا، به ویژه در زمینه دفاع موشکی برخوردار باشد. ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و روابط خصمانه همسایگان اسرائیل را به امامت دنبال کردن و گاهی پیشگامی در راهبردهای دفاع موشکی، به ویژه در زمینه دفاع در برابر موشک‌های بالستیک کوتاه برد و میان برد سوق می‌دهد (http:missiledefenseadvocacy.org 1/11/2018) ، سامانه پدافند موشکی اسرائیل در رویارویی با انواع تهدیدهای راکتی و موشکی، از سه جزء عمده تشکیل شده است: گنبد آهنین (برای مقابله با تهدیدهای کوتاه برد)؛ فلاخن داود (متمرکز بر راکت‌های دور برد و موشک‌های کروز با سرعت پایین که محدوده برد آنها ۴۰ تا ۳۰۰ کیلومتر است)؛ و آرو (لایه بالایی سامانه پدافند موشکی). روزآمدترین سامانه پدافند موشکی اسرائیل آرو-۳ به طور ویژه با هدف مقابله با تهدیدهای ایران طراحی شده است. این پروژه حاصل توسعه مشترک اسرائیل و آمریکا توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران، یک فاکتور بر هم زننده موازنه منطقه‌ای است. در این راستا، آزمایش‌های موشکی بالستیک ایران در سال‌های اخیر مقامات نظامی متر را برای خرید و استقرار سامانه‌های موشک سطح به سطح جدید به ویژه از کره شمالی برای اهداف دفاعی و تلافی جویانه ترغیب نموده است. در واقع مصر تلاش می‌کند که به متحد اصلی منطقه‌ای خود یعنی عربستان، در موازنه نظامی علیه ایران کمک کند (Ramani 2017) در رویکرد عدم اشاعه‌های مصر، توانمندی موشکی به همراه سلاح‌های کشتار جمعی موثرترین راه برای باسازی و بازگرداندن درجاتی از توازن راهبردی با دیگر بازیگران منطقه‌ای، به ویژه اسرائیل محسوب می‌شود. به نظر میرسد ضرورت افزایش بازدارندگی، در اختیار داشتن سامانه‌های تسلیحاتی با قابلیت واکنش به بدترین سناریوها و انجام حملات به عنوان آخرین گزینه، مهم‌ترین فاکتورهای دست‌یابی به موشک بالستیک راهبردی برای کشور مصر است

هدف عراق از تبدیل شدن به قدرت غالب منطقه‌ای و روابط خصمانه آن با بسیاری از همسایگانش فاکتورهای اصلی شکل‌گیری و پیش‌برنده برنامه موشک‌های بالستیک این کشور می‌باشد. عراق توانسته است، به رغم محدودیت برد موشک‌های این کشور به ۱۵۰ کیلومتر توسط قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از زمان جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱)، زیرساختها و دانش لازم برای توسعه و تولید موشک‌ها را حفظ نماید، هم‌چنین این کشور نیروی مخفی و کوچکی از موشک‌های نوع اسکاد، پرتاب‌گرها و تجهیزات تولیدی خاص اسکاد و تشکیلات پشتیبانی را نگه داشته است. برای سال‌های آینده با توجه به کاهش ممنوعیت‌های سازمان ملل متحد، برنامه‌های موشک بالستیک عراق احتمالاً بر باسازی قابلیت‌های جنگی پیش از جنگ خلیج فارس برای تهدید اهداف منطقه‌ای اما نه فراتر از موشک‌های بالستیک با برد متوسط- متمرکز خواهد بود (The National Foreign Intelligence 2015، صدام، ایران را به عنوان دشمن همیشگی عراق می‌دید که علاوه بر پتانسیل حمله از قابلیت تاثیر گذاری بر محیط داخلی عراق برخوردار است. وی خطر حمله زمینی ایران را جدی‌ترین تهدید برای خود قلمداد می‌کرد. این نگرانی صدام حتی منجر به توزیع نامتوازن نیروهای نظامی این کشور در مرزهای مشترک با ایران به نسبت دیگر

مناطق عراق گردیده بود و همین عامل یکی از دلایل اصلی ضعف نیروهای نظامی عراق در برابر حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا برای آزاد سازی عراق در ۲۰۰۳ بود طبیعتاً با چنین تلقی از ایران، مجهز شدن این کشور به توانمندی موشکی بالستیک منجر به نگرانی و احساس خطر بیشتر عراق خواهد شد. البته با تغییر ساختار سیاسی عراق پس از ۲۰۰۳ این تلقی از ایران به عنوان یک تهدید بالقوه تا حدودی به حاشیه رانده شد، با وجود این، از نقطه نظر واقع گرایانه وجود یک کشور همسایه قدرتمند و مجهز به توانمندی موشکی بومی یک عنصر تهدید و خطر برای کشوری چون عراق قلمداد می گردد .

تجربه خاورمیانه در زمینه موشک های بالستیک در مقایسه با دیگر مناطق در جهان منحصر به فرد است. دست یابی به موشک ها در خاورمیانه صرفاً برای بازدارندگی یا به عنوان سلاح آخرین گزینه نیستند، بلکه آنها در حال استفاده واقعی در میدان نبرد هستند. عمده جنگهای مهم در خاورمیانه از ۱۹۷۰ در برگیرنده تبادلات موشکی با بردهای بیش از خط مقدم جنگها بوده است، ماهیت مسئله در خاورمیانه محدود به کنترل اشاعه موشک به معنای مادی آن نیست، بلکه جنگیدین با اشاعه فرهنگ موشکه و انگیزه استفاده از چنین تسلیحات مرگباری علیه مناطق مسکونی و زیرساخت های غیر نظامی است. به دلایل تاریخی خاورمیانه در ایجاد ساختارهای امنیتی با نهادهای گفتگو برای مدیریت کردن تحولات جهانی در زمینه فناوری نظامی و تاثیر آن بر امنیت منطقه ای ناموفق بوده است. فقدان قواعد و مقررات و محدودیت ها در این زمینه منجر به تلاش بیشتر برای دست یابی به توانمندی های موشکی جدید و مینا قرار دادن چنین گزینه هایی برای تضمین امنیت گردیده است. اشاعه فزاینده موشک ها در خاورمیانه خطر بالقوه استفاده از موشک های با برد بلند در جنگ های منطقه ای آینده را افزایش داده است، این موضوع باعث تغییری بنیادین در تفکر نظامی و درک از تهدیدات ناشی از دست یابی به موشک های جدید راهبردی شده است. خطرات ناشی از محاسبات و ارزیابی های نادرست منجر به افزایش منازعه با کلاک های هسته ای، بیولوژیک یا شیمیایی خواهد شد. مسئله موشک های بالستیک و سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه باید در دو چارچوب امنیتی روابط جنوب جنوب و شمال جنوب در نظر گرفته شود. این موضوع هم چنین باید از چشم انداز آینده نگریسته شود و نه فقط در وضعیت فعلی، امروزه اگرچه ممکن است موشک ها به یک جنگ خاتمه دهند، اما در آینده، موشک های پیچیده دقیق تر خواهند بود و می توانند علیه اهداف راهبردی هدایت شوند. اما انواع ارزان تر و کم دقت تر موشکها هم چنان علیه مراکز جمعیتی استفاده خواهد شد (Said 2009) ورود در مسابقه تسلیحاتی که آمریکا و برخی کشورهای عربی منطقه جهت بی اثر کردن توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته اند، با ماهیت راهبرد دفاعی ایران سازگاری ندارد و هر گونه تلاش بخش های نظامی کشور در این مسابقه تسلیحاتی نامحدود، با روح مفاد اسناد بالادستی مانند سند چشم انداز که اساس حفظ نظام را بر حمایت مردم و قدرت بسیج اجتماعی قرار داده مبنای دارد. جمهوری اسلامی ایران باید تاکید کند و عملاً نشان دهد که قدرتمند شدن این کشور و توسعه برنامه های موشکی آن به معنای تهدید یا تضعیف کشورهای همسایه نیست، بلکه یک ایران قدرتمند مرفه و با ثبات بهتر می تواند نقش سازندهای در صلح و امنیت منطقهای و حتی جهانی ایفا کند (جوانپور هروی، موسوی و نوروزی، ۱۳۹۶: ۲۲)

در نهایت، می توان ادعان داشت که به دلیل وضعیت آنارشیک حاکم بر خاور میانه که با تحولات اخیر نیز این وضعیت تشدید شده است، الگوی تعامل میان دولت های واقع در منطقه به جای این که به سمت همکاری و هم گرایی منطقه ای سوق پیدا کند به سمت رقابت و خصومت کشیده شده و در نتیجه همدیگر را به چشم رقیب یا دشمن نگریسته و این باعث شده تا همکاری میان اعضاء به حداقل ممکن برسد. هم چنین به دلیل بالا بودن غلظت آنارشی و فقدان نهادهایی که همکاری میان اعضا را تشویق می کنند، بازیگران خاورمیانه برای این که خود را برای هر گونه احتمال آماده نگه دارند، به تقویت بنیه دفاعی خویش و مسابقه تسلیحاتی پرداخته و برای غلبه بر آنارشی، بقا و خودیاری، بازدارندگی و موازنه سازی و ائتلاف علیه یکدیگر را در دستور کار خود قرار داده اند. این موضوع بدینی، سوءظن و بی اعتمادی را بین بازیگران منطقه دامن زده و در نتیجه توجه به دستاوردهای نسبی و عدم همکاری در منطقه را در پی داشته است (روحی، ۱۳۹۵: ۱۳۱ - ۱۳۰).

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران و قدرت های بزرگ خارجی

به دلیل هم پوشانی ترتیبات درون منطقی‌های خاورمیانه تعیین یک الگوی روشن از مداخله‌ی قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه دشوار است (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۴۹). با این وجود، منطقه خاورمیانه همواره عرصه شکل‌گیری موازنه‌سازی‌ها بوده و شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نتیجه این موازنه‌سازی‌ها است. چنین وضعیتی، برآیند مجموعه گسترده‌ای از عوامل در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و حتی فروملی در این منطقه راهبردی در جهان است. ویژگی‌ها و جاذبه‌های اقتصادی و راهبردی باعث شده، خاورمیانه به عرصه‌ای برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود و نفوذ و مداخلات خارجی، از ویژگی‌های ماندگار و شناخته شده خاورمیانه است و به این دلیل آن را به منطقی‌های نفوذ پذیر تبدیل کرده است (هینبوش و احتشامی، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹)، نواقعی گرایان هیچ‌گونه ثباته تعادل و دوام امنیتی را برای کشورها و مناطق مختلف، بدون توجه به نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ، امکان پذیر نمی‌دانند (مصلی نژاد، ۱۳۹۱، ۴۳). موقعیت خاورمیانه و برخی بخش‌های فرعی آن، مانند خلیج فارس، باعث شده در تحولات تاریخ ساز دوران معاصر مانند جنگ جهانی اول و دوم، شکل‌گیری نظم نوین جهانی پس از پایان جنگ سرد و حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مدار موازنه‌ها قرار گیرند. در سطح ملی و منطقه‌ای نیز، عواملی وجود دارد که زمینه ساز قطب بندی کشورهای منطقه و تقارن آنها با منافع کشورهای فرامنطقه‌ای و در نتیجه، شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها می‌شود (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۵: ۸۶). نقش قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه به دلیل اهمیت اقتصادی و راهبردی آن یکی از عناصر اصلی نظم نوین جهانی پس از جنگ سرد است و باعث مداخله جویی قدرت‌های بزرگ در این منطقه شده است و از طرف دیگر به دلیل اتحاد راهبردی غرب با اسرائیل و اجماع قدرتهای بزرگ بر سر حفظ اسرائیل باعث افزایش اهمیت این منطقه شده است و دخالت هرچه بیشتر در ترتیبات امنیتی این منطقه و قدرتهای بزرگ و در راس آن آمریکا سعی در ایجاد موازنه در منطقه و جلوگیری از هژمون شدن یک کشور در منطقه است زیرا که هژمون شدن در ذات سیاست بین الملل است و هر کشوری سعی در افزایش نقش و قدرت خود است (میر شایمر، ۱۳۸۸: ۲۵۷) و افزایش قدرت یک کشور را چالش اساسی علیه منافع خود میداند و در این راستا آمریکا با بنیادگرایی القاعده، طالبان افغانستان و حکومت بعث صدام که حضور آمریکا را در منطقه به چالش می کشیدند مقابله کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳) نحوه ورود و خروج و نوع کنش و راهبرد قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات این منطقه تحت تأثیر دو عامل بوده است. نخست، اولویت بندی، سطح و میزان منافع‌ی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای خود در این منطقه تعریف می‌کنند؛ و دوم، تمایل و در خواستی که کشورهای منطقه از قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای ورود به معادله رقابت‌های منطقه‌ای به نفع خویش دارند، تحت تأثیر این دو عامل، امروزه شاهد تحول در کنش و راهبرد قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه آمریکا و روسیه در غرب آسیا هستیم که این امر تأثیر قابل توجهی در تحول نظم امنیتی این منطقه و سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه، مصر، ایران، عراق و اسرائیل در قبال هم دارد (نور علی وند، ۱۳۹۶: ۱۶).

کنش واحدهای سیاسی در عرصه بین الملل، واکنشی به ادراک آنها از رویدادها و وقایع در قالب تهدیدات و فرصت‌ها در محیط امنیتی‌شان است. برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در منظومه فکری و ادراکی دولت مردان قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، روسیه، چین و اتحادیه اروپایی نیز در این چارچوب قابل فهم و ادراک است (Birnbau, 2018) در واکنش به برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه با خیل عظیم واردات و خریدهای تسلیحاتی از قدرت‌های بزرگ در صدد جبران و مقابله بر آمدند که در صدر اهمیت آنها سامانه‌های دفاع موشکی و هوایی در اولویت قرار گرفتند. تقاضای فزاینده برای فناوری دفاع موشکی با استقبال گسترده روسیه، به ویژه آمریکا که نقش برجسته‌ای به عنوان قدرت بزرگ خارجی و تامین کننده و حامی یک ساختار یکپارچه دفاع موشکی در منطقه ایفا کرده، رو به رو شده است. نقش آمریکا در زمینه دفاع موشکی محدود به تامین کننده صرف نیست، آمریکا از زمان دولت کلینتون همواره حامی ایجاد یک سامانه یکپارچه دفاع موشکی، شامل توانایی‌های ملی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و مصر بوده است. تاکنون همکاری میان این کشورها محدود به یک سامانه نظارت فضایی مشترک شده است، با وجود این، آمریکا همچنان به برنامه‌های خود به رغم کم رغبتی متحدانش متعهد است (Senn, 2019) در همین راستا رابرت گیتس وزیر دفاع اسبق آمریکا می گوید: آمریکا هم در زمینه دوجانبه و همه چند جانبه در خلیج فارس کار می کند تا همان نوع از دفاع موشکی منطقه‌ای را که از تاسیسات ما

در آنجا محافظت می‌کند. برای دوستان و متحدان مان ایجاد کند (Gates and Cariwright 2009). برنامه موشکی ایران در مواضع دولتمردان و اسناد ملی آمریکا، به عنوان تهدیدی علیه آمریکا و متحدان منطقه ای این کشور تلقی می‌شود. برای نمونه سند بازنگری دفاع موشکی ۲۰۱۹ آمریکا، بیانگر آخرین سیاست ها، راهبردها و قابلیت های برنامه های دفاع موشکی آمریکا برای مقابله با تهدیدات فزاینده موشکی کشورهای ایران، کره شمالی، روسیه و چین می باشد، این سند از جمله مهم ترین اسناد جهت فهم درک دولت مردان و تصمیم گیران آمریکا و اقدامات اتحادی این کشور در برابر برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران می باشد. این سند در قسمت تهدیدات موشکی جاری و در حال ظهور نسبت به سرزمین آمریکا درباره ایران بیان می‌کند.

ایران نفوذ آمریکا در خاورمیانه را اصلی ترین مانع در برابر هدفش برای تبدیل شدن به قدرت مسلط در منطقه می‌بیند. یکی از ابزار های اصلی ایران برای اعمال قدرت و توسل به اقدامات قهری، زادخانه موشکی بالستیک این کشور است که وجه مشخصه آن، افزایش شمار گان، دقت، برد و مرگباری موشک های خود است. ایران دارای بزرگ ترین نیروی موشکی بالستیک در خاورمیانه است و به توسعه فناوری های مرتبط با موشکهای قاره پیما با قابلیت تهدید آمریکا ادامه می‌دهد. تمایل ایران برای داشتن موازنه راهبردی در برابر آمریکا می‌تواند این کشور را به سمت تصاحب موشک های قاره پیما سوق دهد و پیشرفت هایش در برنامه فضایی می‌تواند مسیر دستیابی به موشک های قاره پیما را کوتاه کند، در این صورت ایران توانایی حمله به خاک آمریکا را خواهد داشت. به همین دلیل در پی توسعه برنامه قضایی و دستیابی به موشک های بالستیک قاره پیما است در بخش دیگری از سند مذکور که به ارزیابی تهدیدهای موشکی علیه نیروهای آمریکایی، متحدان و شرکای آن پرداخته است، درباره ایران بیان می‌کند: ایران کماکان به توسعه موشک های پیشرفته با بهبود میزان دقت، برد و مرگباری آنها ادامه می‌دهد. این کشور دارای طیفی از سامانه های موشک بالستیک کوتاه برد و میان برد با دقت فزاینده است که از قابلیت تشدید نیروهای مستقر آمریکا و متحدان و شرکای این کشور برخوردار است. سامانه های میان برد ایران می‌توانند اهدافی از اروپای شرقی گرفته تا جنوب آسیا را هدف قرار دهند، ضمن آن که ایران سامانه های موشکی اش را به سازمان های تروریستی انتقال داده است، که آنها به نوبه خود این موشک های تجهیز شده توسط ایران را علیه متحدان و شرکای آمریکا در خاورمیانه استفاده کرده اند. ایران همچنین یک موشک بالستیک کوتاه برد را در نقش یک موشک ضد کشتی مورد آزمایش قرار داده که می‌تواند کشتی های نیروی دریایی آمریکا و متحدان آن در خلیج فارس و تنگه هرمز را تهدید کند (Missile Defense Review, 2019). مشابه این ادبیات در خصوص برنامه موشکی ایران کم و بیش در سند بازنگری دفاع موشکی آمریکا ۲۰۱۰ تکرار شده است. بازنگران منطقه ای، مانند کره شمالی در شمال شرق آسیا و ایران و سوریه در خاورمیانه، دارای موشک های بالستیک کوتاه برد، میان برد و متوسط برد هستند که نیروهای آمریکایی متحدان و شرکای منطقه ای در جایی که آمریکا نیروهایش را مستقر و روابط امنیتی را حفظ می‌کند، تهدید می‌کنند. تهدید می‌کنند سامانه های دفاع موشک بالستیک آمریکا در ابتدا با هدف دفع تهدیدات از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق مستقر شدند ولی با پایان جنگ سرد، به ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، آمریکا تمرکز خود را از تهدیدات شوروی به سمت تهدیدات موشکهای بالستیک جدید که از خاورمیانه و شرق آسیا پدید می‌آیند، تغییر داد (Bermant 2014). در واقع، آمریکایی ها توان موشکی ایران را نه فقط به عنوان مسئله اصلی، بلکه تنها به عنوان مجرای از مجاری تاثیر گذاری بر قدرت ملی ایران و توقف رشد و زاینده گی این قدرت در منطقه، در دستور کار داشته و دارند (مرادیان و رضائی، ۱۳۹۱: ۷۸)، در چند سال گذشته تحولات مهمی در سیاست دفاعی آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه ایجاد شده است که محور آنها تلاش برای افزایش توانایی دفاع هوایی کشورهای عربی و اسرائیل در برابر توان موشکی ایران بوده است هم چنین آمریکا تلاش نموده با حضور بیشتر نظامی و به ویژه ارسال کشتی های جنگی دارای سامانه های دفاع هوایی شرایط امنیتی منطقه را به سود خود و متحدانش تغییر دهد (جانپور هروی، ۱۳۹۶: ۲۶).

در سال های اخیر روسیه یکی از بازیگران فرمانطقه ای فعال در خاورمیانه بوده است. برای روسیه، ایران صرفاً کشوری است که یک قدرت منطقه ای عمده، و همان طور که برژینسکی توصیف می‌کند، یک دروازه ورود به اوراسیا محسوب می‌شود. هیچ یک از نخبگان سیاسی روسیه به طور جدی توسعه برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران - هم چون عربستان را یک تهدید

جدی قلمداد نمی‌کند. ایران در واقع یک بازار خیلی مهم برای تسلیحات صنایع نظامی روسیه است، بسیاری از صادرکنندگان تسلیحات در روسیه معتقدند که ایران بازار بلا استفاده برای سلاح‌های روسی است. بنابراین، هیچ مبنای منطقی برای پایان دادن به فروش تسلیحات به این کشور وجود ندارد (Mizun 2000)، مسکو هم چنین ایران را بازار مناسبی برای فروش جنگ افزارهای روسی می‌داند. این اهمیت از آن جهت است که غربیها تمایلی به فروش سلاح به ایران ندارند. از زمان خاتمه جنگ تحمیلی، روسیه در کنار چین و کره شمالی به تامین کننده اصلی جنگ افزارهای نظامی ایران تبدیل شده است، فروش هواپیماهای جنگنده روسی سامانه‌های پدافند هوایی موشکی، تانک و نفربر زرهی و زیر دریایی، نمونه‌هایی از اقلام نظامی مهمی است که روسیه در اختیار ایران قرار داده است. علاوه بر این، روسیه در انتقال فناوری نظامی به ایران نیز نقش فعالی داشته است. آموزش دانشجویان و متخصصان ایرانی در زمینه علوم موشکی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی روسیه و بعضا به خدمت گرفتن متخصصان روسی در ایران، نمونه‌هایی از این دست است (حسینی متین، ۱۳۸۲: ۹۰)

به طور کلی می‌توان گفت روسیه دو هدف راهبردی را در روابط نظامی خود به ویژه موشکی و هسته‌ای با ایران دنبال می‌کند: حفظ مجموعه‌های صنعتی - نظامی اش که قادر به پرداخت بدهی‌های خود باشند و ایجاد یک ائتلاف در اوراسیا برای موازنه سازی در برابر برتری نظامی امریکا، ائتلافی متشکل از روسیه، چین، هند و ایران برای موازنه کردن اتحاد یور و آتلانتیک. بنابراین هدف اصلی همکاری‌های نظامی ایران - روسیه، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن است. از نظر امریکا کمک‌های روسیه به ایران در زمینه توسعه موشک‌های بالستیک و سلاح‌های کشتار جمعی به طور فزاینده‌ای منافع، نیروها و متحدان امریکا در منطقه خاورمیانه را تهدید می‌کند. ایران با توسعه زرادخانه‌های موشکی و هسته‌ای خود می‌تواند دسترسی امریکا به خطوط کشتیرانی فوق العاده راهبردی خلیج فارس را محدود و با مداخله در جریان صادرات نفت چالش‌های جدی به بار آورد در خصوص برنامه موشکی ایران نوعی دوگانگی در گفتار و اعمال روسیه وجود دارد. زیرا در حالی که رهبران سیاسی مسکو عموماً اعلام می‌کنند که برنامه موشک بالستیک ایران خطری را متوجه روسیه نمی‌سازد، با این وجود، مسکو سایتهای رادار هشدار سریع برای محافظت در برابر موشک‌های کشورهای هم چون ایران و کره شمالی را مستقر می‌کند. برای نمونه، استقرار رادار «ارزاماس» و ساخت رادار ورونژ» که از سال ۲۰۱۳ شروع شد، هر دو به منظور دفاع از روسیه در برابر تهدید موشک‌های ایران طراحی و مستقر شده‌اند. در واقع، از نظر روس‌ها ایران از قابلیت‌های موشکی برای تهدید مسکو برخوردار است ولی آنچه مهم است نیت است که آنها چنین کاری را انجام نخواهند داد، این دوگانگی به نوعی در اسناد بالادستی روسیه هم مشاهده می‌شود. در سند دکترین نظامی فدراسیون روسیه ۲۰۱۴، در قسمت سیاست نظامی بر موضوعاتی از قبیل ضرورت تشکیل ساز و کارهای دو یا چند جانبه برای مقابله با تهدیدات احتمالی موشکی و مقابله با تلاش‌ها و اقدامات سایر دولت‌ها برای رسیدن به برتری نظامی از طریق گسترش سامانه راهبردی دفاع موشکی، استقرار سلاح در فضای ماورای جو و گسترش سامانه‌های تسلیحاتی راهبردی غیراتمی تاکید شده است (The Military Doctrine of the Russian Federation, 2014). با این وجود، در سند تدبیر سیاست خارجی این کشور که در ۲۰۱۶ منتشر شد، سیاست توسعه همه جانبه همکاری با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اولویت‌های منطقه‌ای سیاست خارجی این کشور مطرح شده است (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، ۱۳۹۵: ۲۷)

مشی سیاست خارجی روسیه در دوره مددوف با مشی سیاست خارجی پوتین تفاوت ندارد. روسیه در چارچوب اولویت‌های خود در خاورمیانه (مقابله با حمایت مسلمانان از افراط‌گرایی دینی در روسیه و خارج نزدیک، مقابله با تهدیدات امریکا و عرب و بهره‌گیری از خاورمیانه برای متوازن سازی روابط با آن‌ها و در نهایت بهره‌گیری از فرمت‌های اقتصادی و تسلیحاتی در خاورمیانه عمل کرده است. این کشور در چارچوب راهبرد عمل‌گرا و فرصت طلبانه خود، تا زمانی که غرب منافع روسیه را به رسمیت شناخته است با آن همراهی می‌کرد و در غیر این صورت راه مستقلی را می‌پیمود. راهبرد سیاست خارجی روسیه بیشتر ماهیتی واکنشی داشت. پوتین و مددوف بر دست‌یابی روسیه به قابلیت‌های فرایند سازی در جهان تأکید می‌کردند، بنابراین سیاست خارجی این کشور در پاسخ به سیاست‌های غرب شکل داده می‌شد. می‌توان به جرأت گفت که کیفیت شکل دهی روابط با غرب حتی بر سیاست خارجی روسیه در سایر نقاط جهان نیز تعیین کننده بوده است (دپلمی معزی، ۱۳۸۹: ۷۵)

۱۰۰-۹۹). برای هیچ یک از کشورهای خاورمیانه روسیه یک شریک مطمئن نیست، چراکه این کشور بیش از هر منطقه ای بر خارج نزدیک تمرکز دارد و حاضر است به دلیل منافع خود در این منطقه بر سر موضوعات سایر نقاط با غرب معامله کند؛ مضاف بر آن تنها غرب قادر است نیازمندی های روسیه از قبیل سرمایه، فناوری، بازار فروش و... را تأمین کند و از این نظر کشورهای خاورمیانه قابل مقایسه با غرب نیستند. در حوزه انرژی خاور میانه رقیب روسیه است و در حوزه تجارت تسلیحات نیز مهم ترین بازارهای روسیه در شرق و جنوب آسیا قرار دارد و لذا نباید پنداشت که مسکو حاضر است به خاطر کشوری از منطقه خاورمیانه ریسک مواجهه با غرب را بپذیرد.

چین دیگر قدرت فرامنطقه ای فعال در غرب آسیا است. این کشور همواره روابط نزدیک اما پیچیده ای را با ایران در زمینه های مختلف نظامی دفاعی، سیاسی، اقتصادی و ... داشته است. از نظر چین، کمک به ایران برای توسعه کافی قابلیت های نظامی اش برای مقابله با سلطه امریکا در خلیج فارس و خاورمیانه دارای ارزش راهبردی است. از نقطه نظر چین، اتحاد امریکا با شورای همکاری خلیج فارس یک رژیم امنیتی مطابق با منافع این کشور در منطقه خاورمیانه را تضمین کرده است. با این وجود، خلیج فارس کاملاً در چارچوب مدار امریکا نیست، مادامی که جمهوری اسلامی ایران مخالف حضور این کشور در منطقه است. یک ایران مجهز به سخت افزارهای نظامی نسبتاً پیشرفته نظیر موشکهای بالستیک، به هدف چین در ممانعت از سلطه امریکا بر این منطقه مهم جغرافیایی و کمک به حفظ تمرکز امریکا دور از منطقه پاسیفیک کمک خواهد کرد. علاوه بر این، تجهیز ایران با تسلیحات چینی مانند موشک های کروز ضدکشتی می تواند این فرصت را برای چین جهت آزمایش سخت افزارهای نظامی و آموزه های عملیاتی که ممکن است روزی خودش در جنگ با امریکا از آنها استفاده کند را فراهم نماید (Harold & Nader, 2012: 18 هر دو کشور آن چیزی را که دیگری به آن نیاز دارد را دارا می باشند. ایران دارای منابع سرشار انرژی است، در حالی که چین یک منبع فناوری، سرمایه گذاری و شاید حتی سخت افزار نظامی است. در واقع، چین با جدیت به دنبال دولت های قدرتمند دیگری است که در نگرانی این کشور از برتری قدرت جهانی امریکا سهیم باشند. علاوه بر این، تنها تعداد انگشت شماری از کشورها هستند که هم به طور جدی بیرون از شبکه جهانی متحدان و شرکای امریکا باشند و هم قدرت و اراده لازم برای مخالفت با سیاست های امریکا را داشته باشند، ایران، یکی از قدرت های بزرگ خاورمیانه و یکی از دشمنان امریکا است. از نظر چین، ایران بالقوه می تواند نقش یک متحد را ایفا کرده و به افزایش قدرت آسیایی و تعدیل نفوذ امریکا در خاورمیانه کمک کند. با این که چین آشکارا امریکا را رقیب خود می داند اما در پی دشمنی بی مورد با واشنگتن نیز نیست، در واقع، چین مشتاق است که روابط دوستانه و همکاری جویانه خود با امریکا، به ویژه در خاورمیانه، را حفظ کند. پکن، واشنگتن را یکی از تأمین کننده های اصلی امنیت در منطقه ای می داند که هیچ قدرت دیگری، از جمله چین، قادر به ایفای این نقش نیست، از این رو، چین در تعامل خود با ایران جانب حزم و احتیاط را پیشه نگه داشته است، هر چند افزایش تنش های امریکا-چین در آسیای شرقی می تواند روابط محدود چین با ایران را دگرگون سازد.

بسیاری از تحلیل گران چینی معتقدند که داشتن روابط نزدیک یا جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع چین است، زیرا ایران ظهور چین را به عنوان یک پیشرفت بدون تهدید می بیند و تلاش خواهد کرد که از آن حمایت نماید. سلطه ایران بر خاورمیانه می تواند به منافع ملی چین کمک کند. ایران تنها قدرت منطقه ای عمده است که متحد امریکا محسوب نمی شود. همکاری های ژئوپلیتیک ایران و چین ممکن است به طور خاص با هدف مقابله با آن چه که دو کشور تصور می کنند هژمونی امریکا باشد، قرار گیرد. اگر چین تصمیم بگیرد که حضور نظامی خود در خاورمیانه را افزایش دهد، ایران می تواند نقش کلیدی در دست یابی چین به اهداف راهبردی اش ایفا نماید در چند دهه گذشته، چین در مدرن سازی نظامی و توسعه هسته ای ایران یک شریک مهم و کلیدی بوده و سلاح های کوچک و موشک های کروز ضدکشتی در اختیار ایران گذاشته و از توسعه قابلیت های تولید نظامی داخلی خود ایران هم حمایت کرده است. ارائه سلاح های پیشرفته به ایران از صنایع دفاعی چین حمایت می کند و ایران را به عنوان یک موازنه گر منطقه ای سودمند در برابر امریکا تقویت می کند. در ۲۰۰۸، چین از روسیه پیشی گرفت و بزرگ ترین تأمین کننده تسلیحات ایران شد. از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹، موشک های ضد کشتی و ضد هواپیما، غالب فروش تسلیحاتی چین به ایران بوده اند. موشک های کروز ضدکشتی سی-۸۱۰ و سی-۷۰۴ و موشکهای زمین به هوای ۱۱-

QW از این جمله بوده اند. در مارس ۲۰۱۱، ایران تأسیسات ساخت چین برای موشک های ضد کشتی هدایت شونده نصر-۱ را افتتاح کرد. نصر-۱ بر اساس سی-۷۰۴ چینی ساخته شده است. چین به ایران کمک

کرده که موشک های کروز ضدکشتی خود با عنوان نور را هم بسازد که مدل به روز شده ای از سی-۸۰۲ چینی است. از سال ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران به واسطه عضویت در سازمان همکاری های فضایی آسیا-پاسیفیک (آپسکو) در برنامه فضایی خود از مساعدت چین بهره مند شده است. از طریق این سازمان بود که چین در توسعه پرتاب گرها به ایران کمک کرد تا بتواند ماهواره پرتاب کند (Scobell and Nader 55-56: 2016)، در زمینه فروش تسلیحات، بر خلاف رویکرد آمریکا، سیاست چین در منطقه خاورمیانه صرفاً بر پایه تجارت متمرکز شده است. چین منطقه خاورمیانه را به عنوان یک بازار جدید برای سلاح های با فناوری بالا و ارزان خود می بیند، بنابراین این انگیزه را دارد که به هر دولتی در منطقه، صرفنظر از سیاست هایش، سلاح بفروشد، برای نمونه، چین هم به عربستان و هم به ایران که در زمینه موضوعات منطقه ای با هم بسیار اختلاف دارند. سلاح می فروشد (اگرچه این قاعده استثنای محدودی هم دارد).

چین از نقش خود به عنوان یکی از بزرگترین وارد کنندگان نفت منطقه به عنوان یک ابزار استفاده می کند به طور کلی می توان مهم ترین منافع و اهداف چین در منطقه خاورمیانه را در موارد زیر خلاصه کرد: منافع شامل: (۱) امنیت انرژی؛ (۲) جاه طلبی های ژئواستراتژیک (۳) پیوندهای خارجی با ثبات داخلی و (۴) تقویت جایگاه قدرت بزرگ. اهداف شامل: (۱) تضمین دسترسی به انرژی و منابع دیگر؛ (۲) برقراری موازنه در برابر نفوذ آمریکا (البته با اجتناب از مواجهه مستقیم)؛ (۳) سرکوب حمایت مادی و معنوی از اقلیت اویغورهای چین؛ و (۴) دریافت تصدیق صریح و ضمنی کشورهای خاور میانه مبنی بر این که چین یک قدرت بزرگ است (Scobell and Nader, 2016) سیاست چین در قبال برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران هم چنان ایجاد موازنه محتاطانه است؛ رعایت گسترده تحریم ها و محدودیت های تحت رهبری آمریکا و در عین حال سرمایه گذاری در فرصت هایی که انزوای ایران برایش فراهم ساخته است، پکن نمی خواهد که یک ایران هسته ای با تقابل علنی و بحران نظامی ببیند، اما به اندازه واشنگتن هم نگران گسترش برنامه موشکی و سلاحهای هسته ای یا جاه طلبی های منطقه ای ایران نیست. دستگاه های امنیت ملی چین عموماً ایران را کشوری باثبات در منطقه ای متلاطم تلقی می کنند که می تواند به حفاظت از منافع اقتصادی و ژئواستراتژیک چین کمک کند.

نگاه اروپا به جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین الملل و همچنین تاثیر گذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته ای ایران حایز اهمیت است. کشورهای اروپایی همواره نگاه ویژه ای به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس داشته اند. نفوذ سیاسی و تسلط بر بازارهای اقتصادی با توجه به جمعیت قابل توجه در این منطقه همواره از نکات قابل توجه اروپا به این منطقه بوده است. در این میان ارتباط با ایران به عنوان کشوری بزرگ با امکانات فراوان در مجاورت دریای خزر و خلیج فارس برای اغلب کشورهای اروپایی نیز حایز اهمیت بوده است (گوهری مقدم و سرهنگ بوره ۱۳۹۵: ۱۵۲)، منافع اتحادیه اروپایی در ارتباط با ایران عبارتند از: (۱) حفظ ثبات در منطقه خلیج فارس که همچنان برای قیمت و تامین عرضه نفت جهانی بسیار مهم است؛ (۲) حل و فصل منازعات در خاورمیانه، به ویژه برای ممانعت از حرکت بیشتر پناهندگان به سمت اروپا در پی بی ثباتی و ناکامی دولتها؛ (۳) تنوع بخشی تامین انرژی با افزایش واردات از ایران و کاهش وابستگی انرژی اروپا به روسیه؛ (۴) افزایش صادرات کالاهای صنعتی با توسعه روابط اقتصادی با ایران در زمانی که نرخ رشد اقتصادی اروپا در سال های اخیر ضعیف بوده است، بنابراین هر عاملی که این منافع را تحت تاثیر قرار دهد با واکنش کشورهای اروپایی مواجه خواهد شد. اتحادیه اروپایی (عمدتاً فرانسه، انگلیس و آلمان) همواره از برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده و آن را عامل تشدید تنش ها و بی ثباتی در منطقه غرب آسیا تلقی می کنند. برای نمونه در طول سال های اخیر کشورهای مذکور در واکنش به آزمایش ها یا آزمایش های موشکی کشورمان طی بیانیه ها و نامه های مشترک به دبیر کل سازمان ملل متحد و رییس شورای امنیت در خصوص برنامه موشکی ایران ضمن محکومیت آن، ابراز نگرانی کرده و خواستار توقف فعالیت های موشکی ایران شده اند، (۵) برای نمونه کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس در نامه ای خطاب به دبیر کل و رییس شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸ در واکنش به حمله موشکی ایران

به مواضع داعش در دیرالزور اعلام داشتند: این فعالیت موشکی بالستیک بی ثبات کننده و افزایش دهنده تنش های منطقه ای است. موشک های بالستیک کوتاه برد ذوالفقار و قیام دارای معیار های دسته اول رژیم کنترل فناوری موشک هستند، هم چنین ذاتا دارای قابلیت پر تاب سلاح های هسته ای می باشند (<https://undocs.org/S/2016/1062>) در این راستا، سامانه دفاع موشکی اروپا (EPAA) در واکنش به برنامه موشکی کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی، به منظور دفاع در برابر تهدیدات موشکی جاری و آینده ایران علیه پایگاه ها و شهرهای اروپا در اکتبر ۲۰۰۹ توسط دولت اوباما مستقر شد. این سامانه صرفا با هدف مقابله با تهدیدات موشکی ایران نبود و سایر اهداف همچون روسیه را در بر می گرفت به همین دلیل این سامانه به ویژه مرحله چهارم آن که در صورت استقرار می توانست موشکهای بالستیک قاره پیما روسی را رهگیری نماید - با مخالفت و واکنش شدید این کشور رو به رو شد. این سامانه به نوعی تلاش برای لحاظ نمودن نگرانی های روسیه در قبال سامانه دفاع موشکی جورج بوش بود، دولت اوباما تصمیم گرفت که این طرح را لغو و سامانه دفاع موشکی اروپا را جایگزین آن سازد. سرانجام در سال ۲۰۱۳ دولت اوباما تصمیم گرفت که مرحله چهارم سامانه مذکور را لغو نماید. در عوض سامانه های رهگیری بیش تری به تاسیسات مستقر در آلاسکا افزوده شود. ارزیابی ها حاکی از آن است که سامانه دفاع موشکی اروپا حتی پس از حذف مرحله چهارم که شامل موشک های رهگیری SMI ۳-می شود همچنان قادر به رهگیری موشک های ایران می باشد. موشکهای SM ۳- که در کشتی های دفاع موشکی در دریای مدیترانه شرقی و در دو سه لوف ۱ مستقر شده اند. روی هم رفته، قادر به دفاع در برابر عمده تهدیدات ناشی از انواع موشکهای مستقر شده ایرانی، به ویژه موشک شهاب-۳ می باشند. به طور مشابه ای، موشکهای SM-3 مستقر شده در دریای مدیترانه و دوسه لوف (مرحله دوم سامانه دفاع موشکی اروپا) و هم چنین موشکهای SM-3 مستقر شده در ردزیکوو (مرحله سوم سامانه دفاع موشکی اروپا قادر به دفاع در برابر تهدیدات موشکهای بالستیک میان برد ایران، مانند موشک هایی که بر پایه ماهواره بر سفیر ساخته شده اند، می باشد. بنابراین غرب آسیا با توجه به اهمیت و جایگاهی که در ساختار نظام بین الملل دارد، نگاه قدرتهای بزرگ را به خود جلب کرده است. این اهمیت تا بدان حد است که این منطقه و نفوذ در آن به خوبی می تواند موازنه قدرت را به نفع یا ضرر هر یک از قدرت های بزرگ بر هم زند. یکی از دلایل حضور قدرت های بزرگ هم چون روسیه، چین، اتحادیه اروپا و به ویژه آمریکا در منطقه خاورمیانه، ضمن کسب منافع راهبردی و اقتصادی، متوازن ساختن یکدیگر می باشد (تقی زاده، ۱۳۸۵: ۶۰).

نتیجه گیری

تاکید بر سطح منطقه به عنوان یکی از سطوح اصلی تحلیل در مباحث امنیتی مدت هاست که مورد توجه پژوهشگران مطالعات امنیتی قرار گرفته است. در ادامه نظریه مجموعه ی امنیت منطقه ای بری بوزان که از نظریات اصلی در تحلیل امنیت منطقه ای است و در مکتب کپنهاگ ارائه شده است شرح داده شد همانطور که بیان گردید، از نظر باری بوزان، پس از جنگ سرد، سطح منطقه ای برای دولت ها مکان هندسی منازعه و همکاری و برای پژوهشگرانی که در پی تبیین امور امنیتی معاصر هستند به یک سطح تحلیل تبدیل شده است. در این نظریه، امنیت به پنج بخش که شامل بخش های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می باشد تقسیم شده است، در ادامه، این نظریه را تعریف کردیم و عناصر و مولفه های اصلی این نظریه توضیح دادیم. همانطور که در بالا اشاره شده از مفاهیم اصلی این نظریه که مرتبط با موضوع این پژوهش می باشد، مفاهیم الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت جغرافیایی و توزیع قدرت ذکر گردید و شرح داده شد. در این پایان نامه تاکید ما بیشتر روی ابعاد سیاسی و نظامی این نظریه و مفاهیم الگوهای دوستی و دشمنی و توزیع قدرت خواهد بود و با بهره گیری از این نظریه سعی در بررسی تاثیر توان موشکی ایران بر امنیت منطقه خاورمیانه دارم. در فصل بعد، توان موشکی ایران و جایگاه آن در سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و راهبرد بازدارندگی آن خواهیم پرداخت.

جمهوری اسلامی ایران از جمله معدود کشورهایی است که با تعدد همسایگان و قرارگیری در یک محیط استراتژیک، یک واحد سیاسی بین المللی ویژه با تهدیدات متکثر به شمار می رود؛ بنابراین در راهبرد امنیتی خود با توجه به اتحادهای سیاسی و نظامی کشورهای منطقه با غرب و تنش سیاسی برخی از کشورهای غربی با آن بر سیاست بازدارندگی تاکید کرده و همواره سعی در افزایش قدرت بازدارندگی خود دارد. عمده ترین محور نگرانی های امنیتی ایران دفاع از تمامیت ارضی و استقلال

سیاسی کشور است؛ بنابراین اقتدار نظامی ایران محدود به دفاع بوده و به همین دلیل راهبرد بازدارندگی را در دستور کار خود قرار داده است. جنگ ۸ ساله تحمیلی، جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی و حمله آمریکا به عراق و افغانستان ایران را متوجه ارزش استراتژیک موشک های بالستیک نمود. علاوه بر این، ایران به دلیل وجود تحریم های بین المللی و اختلاف با آمریکا در تقویت صنایع نظامی بویژه نیروی هوایی خود با مشکل مواجه بوده است. مجموعه این عوامل سبب گردید که ایران در سال های آخر جنگ و پس از آن شروع به توسعه موشک های بالستیک خود نموده و اکنون، همانطور که بسیاری از موسسه های معتبر بین المللی و مقامات سیاسی نظامی کشورهای غربی اذعان می کنند، دارای بزرگترین زرادخانه موشکی در منطقه خاورمیانه است. تلاش های بسیاری توسط کشورهای غربی و دولت های منطقه که مخالف توان موشکی ایران هستند از طریق تحریم ها و ساز و کارهای بین المللی همچون رژیم کنترل تکنولوژی موشکی برای مهار توان موشکی ایران شکل گرفته است اما، جمهوری اسلامی ایران یک نیروی موشکی در حال رشد و قوی است که محدودیت های جهانی تاثیر جدی بر آن نداشته و توانسته در این زمینه به موفقیت های چشمگیری دست یابد.

تنگ تر شدن حلقه تحریم های موشکی ایرانی به معنای افزایش یا تشدید محدودیت ها و تعداد تحریم های مربوط به برنامه های موشکی ایران است. این اقدام ممکن است شامل محدودیت های جدید در توسعه و آزمایش موشک ها، تکنولوژی های مرتبط، و صادرات موشک های ایران به دیگر کشورها باشد. تشدید تحریم های موشکی ایران معمولاً به عنوان یک وسیله فشار اقتصادی و سیاسی از سوی جوامع بین المللی به کار می رود. تحریم های هدفمند، کامل و مؤثر به عنوان یک ابزار اقتصادی و سیاسی ممکن است اثرات گسترده تری داشته باشند. این نوع تحریم ها با تمرکز بر روی بخش ها و فعالیت های خاص اقتصادی یا نظامی که هدف از آنها جلب تغییر در رفتار کشور مقصد است، اجرا می شوند. این تحریم ها شامل تحریم های موشکی، تحریم های صنعت نظامی، تحریم های اقتصادی، تحریم های ثانویه، و تحریم های بین المللی است. تحریم های موشکی محدودیت هایی هستند که مستقیماً به برنامه های موشکی یک کشور مرتبط می شوند، از جمله تحریم های صادرات، واردات تکنولوژی های مرتبط با موشک، و محدودیت هایی در توسعه و آزمایش موشک ها. ممکن است تحریم ها به سمت صنعت نظامی و تولید اسلحه اشاره داشته باشند. این تحریم ها می توانند تجهیزات و تکنولوژی های نظامی را به عنوان هدف داشته باشند. تحریم های اقتصادی ممکن است به شمول بخش های مختلف اقتصادی مانند بانکداری، صادرات نفت، واردات، و تجارت خارجی اشاره کنند. این تحریم ها ممکن است به منظور تضعیف اقتصاد کلان کشور متاثر شده و فشار بیشتری به منظور تغییر رفتار ایجاد کنند. تحریم های ثانویه بر روی افراد یا مسئولان خاص اعمال می شوند. این امر ممکن است شامل منع سفر، مسدود کردن دارایی ها یا ممنوعیت در انجام تعاملات مالی با افراد مشخص باشد. تحریم های بین المللی تحریم هایی هستند که توسط جوامع بین المللی اجرا می شوند و مشارکت بیشتری از کشورهای مختلف را در بر می گیرند. این نوع تحریم ها ممکن است به عنوان نمونه ای از تضامن بین المللی در برابر رفتار یا فعالیت خاص اجرا شوند. تحریم های هدفمند، کامل و مؤثر هنگامی که با هماهنگی بین کشورها و به صورت قابل اجرا اعمال شوند، می توانند به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی، امنیتی یا اقتصادی خاص مورد استفاده قرار گیرند.

منابع

- افتخاری، ا و خیراتی، ع. (۱۳۹۸). "راهبردهای پساجرمی آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره سی و سه.
- رضوی، م ح، و زین الدینی، ف. (۱۳۹۷). اثر بازگشت تحریم های ثانویه آمریکا بر صنعت نفت و گاز ایران: فرصت ها و تهدیدها. مطالعات حقوق انرژی، ۴(۱)، ۶۰-۳۷.
- اسلامی، م و نقدی، ف. (۱۳۹۵). "ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران"، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم.
- آل کجباف، انصاریان. (۲۰۱۴). تأثیر تحریم های یک جانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۸(۲۹).

- کازرونی، م. (۱۳۹۳). "بررسی تحریم های تسلیحاتی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران"، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم.
- عابدینی، ع. (۱۳۹۶). "مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه های پیش از آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم.
- موسویان، ح. (۱۳۹۴). "روایت بحران هسته‌ای ایران، ناگفته های یک دیپلمات"، نشر تپسا.
- دهقانی، غ. (۱۳۹۱). "رژیم های بین المللی عدم اشاعه و کنترل صادرات در نظریه های روابط بین الملل. سیاست-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۲(۱)، ۱۶۷-۱۸۲.
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۶). "مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه های پیش از آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم.
- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). "ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران"، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). "احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی، تحلیلی چند متغیره." پژوهشنامه علوم سیاسی. سال دهم. شماره سوم.
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۳). "بررسی تحریم های تسلیحاتی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران"، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم.
- سلطانی نژاد، احمد و همکاران (۱۳۹۲). "آمریکا و برنامه هسته ای ایران؛ استراتژی برچینش و ابزارهای آن." فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره اول.
- پورآخوندی، نادر (۱۳۹۲). "راهبرد توسعه موشکی ج.ا. ایران"، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره هشتم.
- کوشا، سهیلا و اسکندری، محمدعلی (۱۳۹۱). "چالش هاس حقوقی ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه های تحریمی." فصلنامه سیاست خارجی. شماره ۱۰۱
- عطایی، محمد فرهاد (۱۳۸۹). "بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه های روابط بین الملل." فصلنامه سیاست. دوره ۴۰.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). "تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران. جایگزین جنگ یا مولفه اصلی." فصلنامه روابط خارجی. شماره ۴.
- یزدانفام، محمود (۱۳۸۷). "مقدمه ای بر تحلیل سیاست خارجی." فصلنامه مطالعات راهبردی. سال یازدهم. شماره دوم.
- علومی، ابراهیم (۱۳۸۷). "بحران گروگان گیری و تحریم ایران." راهبرد. شماره ۴۷.
- ساعد، نادر (۱۳۸۶). "تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
- ساعد، نادر (۱۳۸۶)؛ "تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست دفاعی، شماره ۵۹.
- امید، علی (۱۳۸۵). "چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه ای: مطالعه موردی ایران و سوریه." فصلنامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۴.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۴). نظریه های متعارض در روابط بین الملل. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران. قومس. ۱۳۷۴. ج ۲.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۹۲). نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالب های فکری. تهران. انتشارات سمت.

